

۱. برخلاف گذشته که تولیدکنندگان کالاهاى نظامى، یک گروه صنعتى کاملاً مشخص و مجزا بودند، تکنولوژى جدید نظامى و رشد مجموعه‌هاى تولید (مركب از واحدهاى مرتبط با هم)، منجر به ادغام تولید نظامى در بخش‌هاى صنعتى مسلط شد.

این مطلب را شاید نوعى جایگزینى صنایع به جای لشکرکشی بدانیم که به خصوص «در دوره‌هاى اول، توسط کشورهاى چون اسپانیا، پرتغال و انگلیس در حفظ مستعمرات خود با استفاده از ناوگان‌هاى دریایى به کار برده مى‌شد. البته، صنایع نظامى نیز با فروپاشى اتحاد شوروى و خارج شدن جهان از حالت دو قطبى، جای خود را به صنایع الکترونیکی و ارتباطى مى‌دهد.

۲. در دومین مورد، «مگداف» به اهمیت زیاد شرکت‌هاى چند ملیتى معتقد است که در جهت کنترل جهانى، پیش مى‌رود. استراتژى و ساخت شرکت‌هاى چند ملیتى، سبب نفوذ بیشتر در مستعمرات سابق مى‌شود و جلوگیری از توسعه را در این کشورها جهت مى‌دهد.

۳. و سومین جنبه افتراق، برترى منافع شرکت‌هاى چند ملیتى نظامى بر امور دولت است.

«مگداف»، در ویژگی‌هاىی که برای امپریالیسم پیش از دوره استعمار الکترونیکی بر مى‌شمارد چند جنبه مشخص را نام مى‌برد. از جمله:

الف: انتقال تأکید اصلی از رقابت در تقسیم جهانى، به تلاش برای جلوگیری از محدود شدن سیستم امپریالیستى.

ب: نقش جدید ایالات متحده امریکا، به عنوان متشکل کننده و رهبرى سیستم جهانى امپریالیسم.

ج: ظهور یک تکنولوژى که طبع بین‌المللى دارد.^۲

«مگداف» آنگاه به بررسی تکنولوژى جدید مى‌پردازد و مى‌گوید: «تکنولوژى جدید، بیش از تکنولوژى قدیم، از نظر حوزه عمل، بین‌المللى است و لذا دارای اثرات ویژه برای عملکرد امپریالیسم است. آشکارترین جنبه تکنولوژى در فضاست. ایستگاه‌هاى فضایى دور زمین که به وسیله تکنسین‌هاى امریکایى اداره مى‌شوند، یکى از این ویژگی‌هاى بین‌المللى است. یکى دیگر، نقش برجسته امریکا در ماهواره‌هاى ارتباطى است به طوری که نه تنها روزنامه‌ها و مجلات امریکایى و

انتشارات اداره اطلاعات امریکا، بلکه تلویزیون امریکا نیز به راحتی در دسترس است. اینها وسایل سودمندی هستند برای حصول یک وحدت فرهنگى که منعکس کننده رهبرى سیستم امپریالیستى به وسیله امریکاست.

«دین راسک» وزیر امور خارجه و وزیر جنگ سابق امریکا در نطقى مى‌گوید: «همراه این پیشرفت‌هاى تکنولوژیک، ترتیبات حقوقى بین‌المللى نیز پا به عرصه وجود گذارده است و با ایجاد یک سیستم ارتباطى واحد ماهواره‌اى بین‌المللى، ما یک نهاد بین‌المللى جدید به وجود آورده‌ایم که در آن، یک شرکت خصوصى امریکایى با ۴۵ دولت در مالکیت شریک است.»^۳

مشکل کردن سیستم امپریالیستى پس از جنگ جهانی دوم و به خصوص پس از فروپاشى اتحاد شوروى، علی‌رغم تلاش‌هاى کشورهاى در حال توسعه از طریق سازمان‌هاى بین‌المللى که در اواخر جنگ جهانی دوم تشکیل شدند، صورت مى‌گیرد؛ مانند سازمان ملل متحد، بانک جهانى و صندوق بین‌المللى پول که در هریک از آنها امریکا مى‌تواند به دلایل مختلف، نقش رهبرى داشته باشد.

سیستم امپریالیستى از طریق فعالیت‌هاى سازمان کمک و ترمیم سازمان ملل (U.N.R.A)، طرح مارشال و چندین برنامه کمک اقتصادى و نظامى که توسط واشنگتن عرضه و کنترل مى‌شود، مستحکم شده است. در گفتار برخی رهبران امریکا دفاع و تقویت فوق بین‌الملل و این معنی که نظم بین‌المللى به دیگر کشورها باید تحمیل شود بارها و بارها مورد تأکید قرار گرفته است. به عنوان مثال، «دین راسک» مى‌گوید: «امنیت و رفاه امریکا، محدود به سیاست و دفاع در داخل امریکای شمالى و جامعه آتلانتیک و نیمکره غربى نیست؛ کره زمین کوچک شده است و ما باید در تمام کره زمین و فضای اطرافش مداخله داشته باشیم.»^۴

شاید به همین دلیل است که مى‌بینیم در امریکا، تکنولوژى جدید نظامى و رشد مجموعه‌هاى تولیدى سبب ادغام تولید نظامى در بخش‌هاى صنعتى مسلط مى‌شود و شرکت‌هاى چند ملیتى نظامى، بر امور دولت تسلط مى‌یابند. منافع این شرکت‌ها در رأس برنامه‌هاى دولت قرار مى‌گیرد و جدایی بخش نظامى از صنایع، پایان یافته و بودجه نظامى امریکا رقم سرسام‌آوری را در میان هزینه‌هاى

هریم خصوصى امریکا
در عصر ارتباطات

«اصول هریم خصوصى»
 تلاشیست برای تعیین حدود و مرزهاى هریم خصوصى که تکنولوژى‌هاى جدید تکنیکهاى روزافزون برای هریم خصوصى به وجود مى‌آورند، به رشد و تکامل خود ادامه داده‌اند.

هریم خصوصى به عنوان یک ارزش انسانی و حق قانونى، طیف گسترده‌اى از حقوق مربوط به استقلال شخصى با که به عنوان اساسى به حال خود گذاشته شده است و نباید مداخله در امور خصوصى دیگران و ششانه شده است. شامل مى‌شود از جهت وجهه، اعتبار ارتباط بین افراد هریم خصوصى حق اعمال کنترل بر اطلاعات درباره شخصى نیز معنی مى‌دهد. این اصول، تا زمانی طولانى دارند و در سراسر جهان که تکنولوژى‌هاى جدید تکنیکهاى روزافزون برای هریم خصوصى به وجود مى‌آورند، به رشد و تکامل خود ادامه داده‌اند.

هریم خصوصى، حق مشابه مالکیت خصوصى تا پایان قرن نوزدهم، حق برخورداری از هریم خصوصى تقریباً از ریف و برابر با مالکیت خصوصى و حمایت در مقابل تجاوز و ورود غیرمجاز به ملک دیگران به شمار مى‌آمد. در انگلیس، مبارزه بر سر «حکام کلی» و مبارزه مستعمراتش‌هاى امریکا علیه «حکام بارى» که دولت انگلیس برای تحمیل مقررات مربوط به مالیات و تعرفه از آنها استفاده مى‌کرد به بیان و شرح اساسى این مفهوم هریم خصوصى در ستم چهارم قانون اساسى امریکا منتهى شد که حق مردم را بر آورد امنیت جان، مسکن، اوراق، و اسرار و دارایی آنها در برابر تفتیش و ضبط ناممفول و تضمین مى‌کند. رلى حکم‌هاى روزافزون انقلاب ارتباطات برای هریم خصوصى مردم، به

دولتی تشکیل می‌دهد. برای مثال، در سال ۱۹۸۱ این رقم حدود ۱۹۰ میلیارد دلار در سال بود.^۵

«آرگیری امانوئل» در کتاب «تکنولوژی مناسب یا تکنولوژی عقب‌افتاده» که گفت‌وگویی تکان‌دهنده درباره مسائل توسعه خوانده شده است؛ درباره نقش شرکت‌های چندملیتی در انتقال تکنولوژی می‌گوید: پیشرفت تکنولوژی در جهان، به‌صورتی است که خارج از چارچوب ساختارهای کنونی امپریالیسم نمی‌تواند موفق باشد و بر این اعتقاد است: «حتی در موردی هم که تکنیک تولیدی موردنظر عمومیت یافته باشد، خصوصی شدن آن را نباید غیرممکن دانست. چنانکه پیشتر هم به مناسبتی گفتیم، حتی اگر هم هیچ رموزازی در ساخت کالای موردنظر باقی نمانده باشد و همه تجهیزات و تکنسین‌های آزموده را هم به‌طور انفرادی در همان سطح کار شرکت چند ملیتی در اختیار داشته باشیم باز هم نخواهیم توانست خبرگی و کاردانی ویژه‌ای را که حاصل سال‌ها کار گروهی در مؤسسه چند ملیتی است، به دلخواه ایجاد کنیم و همان بازده کیفی و کمی را به دست آوریم.»^۶ مدیر شرکت توتال، «ژان درب» (Jean d'Herb) می‌گوید: «بعضی‌ها فکر می‌کنند که با خرید خدمات یک متخصص بزرگ می‌توان همه مسائل را حل کرد؛ ولی این اقدام بیهوده است. با صلاحیت‌ترین متخصصان، بیرون از محیط خویش، کارایی همیشگی خود را نخواهند داشت. فقط متخصصانی از حداکثر کارایی برخوردار خواهند بود که وابسته به ساختار معینی باشند و همواره بتوانند به آن روی بیاورند.

شرکت‌های چندملیتی با تنظیم ساختارهای لازم در دوران جنگ سرد، در عرصه تکنولوژی‌های نوین ارتباطی به موفقیت‌های تازه‌ای دست یافتند که این موفقیت‌ها، سیر تحول سرمایه‌داری امپریالیستی را از انحصارات صنعتی به سمت انحصارات اطلاعاتی کشاند.

آمریکا در برابر پرتاب ماهواره «اسپوتنیک» توسط شوروی به فضا در سال ۱۹۵۷ ساکت ننشست و همانگونه که در تولید بمب اتم، خود را در خط مقدم می‌دید؛ تلاش کرد تا شبکه جاسوسی فضایی را نیز ایجاد کند. به این ترتیب، به دنبال اختراع تلگراف در طی جنگ‌های داخلی در آمریکا، تلفن توسط

«گراهام بل» و اختراع رادیو به منظور تبلیغات سیاسی و هجوم تبلیغی در صفوف سپاهیان نظامی دشمن، اختراع تلویزیون و فاکسی مایل و در نهایت، اختراع ویدئو - که کاملاً با اهداف نظامی به‌منظور حمل‌ونقل تصاویر جاسوسی تولید شد - و یا اختراع کامپیوتر در سال ۱۹۶۹ به‌منظور جمع‌آوری و حفظ آمار و اطلاعات خارج از شمار انسانی، جهت بهره‌برداری‌های آتی و تلفیق این همه با ماهواره‌های تصویری، اکنون انحصارات تبلیغاتی به جهت‌های تازه‌ای سوق داده شده‌اند که امپریالیسم به‌جای تکیه بر اهرم‌های نظامی، خود را به سلاح اطلاعاتی مجهز می‌کند تا از طریق سیستم گسترده اطلاعاتی در شبکه‌هایی چون «اینترنت»، ضمن حفظ موقعیت خود به عنوان یک منبع پایان‌ناپذیر از اطلاعات و اخبار موردنیاز جوامع بشری، همچنان به سیادت خود در جهان ادامه دهد.

چگونگی پیدایش غولهای رسانه‌ای

نخستین بار در ۲۱ ماه مارس ۱۹۹۴ در کنفرانس جهانی ارتباطات سازمان ملل متحد در بوئنوس آیرس پایتخت آرژانتین، «آل‌گور» (Algor) معاون رییس جمهوری آمریکا، پیشنهاد ساختن یک «شبکه جهانی اطلاعات» را ارائه کرد. این پیشنهاد «آل‌گور» براساس طرحی بود که او چندی پیش برای ارتباط مردم آمریکا به نام «بزرگراه‌های اطلاعاتی» ارائه داده بود.

تفسیر ناظران از این پیشنهاد، که در حضور نمایندگان ۱۳۲ کشور جهان انجام گرفت، این است که آمریکا از کشورهای در حال توسعه می‌خواهد بازارهای خود را به روی صنایع ارتباطی خصوصی باز کنند. تا آنها بتوانند آزادانه در گسترش این ارتباطات جهانی رقابت کنند.

«آل‌گور» در این اجلاس گفت: «ارتباط مردم جهان به یک سیستم عظیم تبادل ایده‌ها، رؤیایی است که تکنولوژی به آن دست یافته و آماده عرضه می‌باشد.»^۷

«آل‌گور» می‌افزاید: «رییس جمهور بیل کلینتون و اینجانب، معتقد هستیم ایجاد شبکه‌ای متشکل از مجموعه شبکه‌های مختلف که می‌تواند پیام‌ها و تصاویر را به سرعت نور در سراسر کره زمین منتقل سازد، برای حفظ و حمایت از پیشرفت و توسعه در کلیه جوامع بشری امری اساسی و حیاتی



است.»

الگور تأکید می‌کند که «زیرساخت اطلاع‌رسانی برای اقتصاد دهه ۱۹۹۰ آمریکا، مثل زیرساخت حمل‌ونقل است برای اقتصاد اواسط قرن بیستم آن کشور.»

به اعتقاد الگور: «شرایط اقتصادی شبکه‌ها اساساً تغییر یافته‌اند به طوری که یک بازار خصوصی و رقابت‌کننده می‌تواند بخش اعظم و عمده ساختار اطلاع‌رسانی جهان را تشکیل دهد.»

الگور می‌گوید: «در آمریکا، ما در نظر داریم از طریق بخش خصوصی، سازمانی را تحت عنوان «ساختار اطلاع‌رسانی ملی» در مورد بزرگراه‌های اطلاعاتی تشکیل دهیم و قرار است توسط بخش خصوصی هم اداره شود.

موارد ذیل پایه و اساس طرح ما را تشکیل می‌دهد:

– تشویق سرمایه‌گذاری خصوصی؛

– پیشبرد رقابت؛

– تشکیل یک چارچوب تعدیل‌کننده انعطاف‌ناپذیر که بتواند همگام با تغییرات تکنولوژیکی و بازار حرکت کند؛

– امکان دستیابی آزاد کلیه تهیه‌کنندگان اطلاعات شبکه و...؛

– تضمین ارائه خدمات در سطح جهان.

به دنبال آن، جریان‌های سیاسی و اقتصادی در آمریکا و اروپا براساس این پایه‌ها جهت‌گیری کردند. دکتر حمید مولانا می‌نویسد:^۸

«با فضای سیاسی و اقتصادی محافظه‌کارانه افراطی که اخیراً در آمریکا به وجود آمده و با سیاست جدیدی که جبهه محافظه‌کار این کشور با در دست داشتن اکثریت کنگره آمریکا اعمال می‌کند. شرکت‌های بزرگ ارتباطی و اطلاعاتی آمریکا فرصت مناسب جدیدی پیدا کرده‌اند تا انحصار اطلاعاتی را در آمریکا گسترده‌تر کنند. لایحه جدید ارتباطات و مخابرات آمریکا که به تأیید مجلس سنای این کشور رسیده و اکنون در کمیته‌های مختلف مجلس نمایندگان مورد بحث است، نه تنها تحول اساسی در زیر ساخت بزرگراه‌های اطلاعاتی این کشور ایجاد خواهد کرد، بلکه بیش از هر موقع دیگر، دست‌وپای شرکت‌های بزرگ الکترونیکی، اطلاعاتی و ارتباطی را در جهت دخالت‌های نامحدود و بدون نظارت دولت در اقتصاد و

■ دگرگونی عظیمی که دنیا در آستانه آن به سر می‌برد در دو عرصه «تکنولوژی ارتباطی» و «دگرگونی روابط انسانی» ناشی از آن، دستخوش تحولات گسترده‌ای شده است که پیامدهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خاصی را در قرن آینده رقم خواهد زد.

فرهنگ آمریکا باز می‌کند. این‌گونه کوشش و اقدام در قانونگذاری جدید ارتباطات در آمریکا، شرکت‌های غول‌آسای این کشور را تشویق کرده است تا قدم‌های جدیدی برای دستیابی به بازارهای ملی و بین‌المللی برداشته و از جهت مالی و اقتصادی در مقابل رقیب‌های جهانی خود صف‌آرایی کنند.^۹

همزمان با اعلام سیاست‌های جدید ارتباطی دولت آمریکا، ۲۴ ساعت بعد شرکت عظیم الکترونی «وستینگهاوس»، که از یخچال گرفته تا رادار را تولید می‌کند، تصمیم گرفت شبکه دیگر بزرگ تلویزیونی آمریکا به نام (C.B.S) را به مبلغ ۵/۴ میلیارد دلار خریداری کند. با این قرارداد، «وستینگهاوس» مالک ۱۵ ایستگاه تلویزیونی و ۳۹ ایستگاه رادیویی و ده‌ها شرکت انتشاراتی، تولیدی و توزیعی خواهد شد.

از سوی دیگر، شرکت مطبوعاتی «گانت» نیز به عنوان یکی از پنج شرکت بزرگ مطبوعاتی آمریکا و ناشر روزنامه «یواس. تودی» (U.S Today) نیز روزنامه‌های شرکت «مولتی‌مدیا» را به مبلغ ۱/۷ میلیارد دلار خریداری کرد تا بتواند ۱۱ روزنامه دیگر را به فهرست ۸۲ روزنامه‌ای که در آمریکا منتشر می‌کند، بیفزاید.

شرکت کامپیوتری I.B.M نیز که پیشرو صنعت سخت‌افزاری این رشته است، شرکت «لوتوس» آمریکا را که تولیدکننده نرم‌افزارهای کامپیوتری است به مبلغ ۳/۳ میلیارد دلار خریداری کرد.

براساس آماری که دکتر «حمید مولانا» به دست می‌دهد^{۱۰} در اوایل دهه ۱۹۸۰ در حدود ۴۶ شرکت بزرگ، بیشتر نشریات و مطبوعات و برنامه‌های تلویزیونی و سینمایی جهان را در دست داشتند که در اوایل دهه ۱۹۹۰، تعداد

گسترش مفهوم حقوقی حریم خصوصی منجر شد. پیدایش رسانه‌هایی چون: روزنامه‌ها، مجله‌ها و تلویزیون باعث ایجاد حق حریم خصوصی علیه مزاحمت در امور شخصی و تبلیغات ناخواسته شد. شکل‌های جدید و سبیل ارتباطی نظیر: تلفن، قوانین حمایت از ارتباطات شخصی در برابر استراق سمع غیرمجاز دولت یا افراد را به دنبال آورد. اختراع کامپیوتر و بانک داده‌های کامپیوتری شده، کنترل جمع‌آوری، استفاده و انتشار اطلاعات شخصی و عمومی مربوط به افراد را که توسط دولت یا شرکت‌ها نگهداری می‌شد، ضروری ساخت. تکنولوژی‌های تازه ارتباطی مسایل جدیدی را در زمینه حریم شخصی مردم به وجود می‌آوردند که در زمان خود باید برطرف شوند.

قانون دخول و ورود غیرمجاز

در اواخر قرن نوزدهم - که با پیدایش سریع روزنامه‌ها و مجلات پرتیراژ همراه بود - دو حقوقدان آمریکایی یعنی «ساموئل. دی. وارن» و «لوتیس براندیس» (که بعدها قاضی برجسته دیوان عالی شد) مقاله‌ای در Harvard Law Review نوشتند و این موضوع را مطرح کردند که قانون حمایت از حریم شخصی، نه تنها باید از مردم در برابر دخول و ورود غیرمجاز - آنگونه که در متمم چهارم قانون اساسی در نظر گرفته شده است - حمایت کند؛ بلکه همچنین باید در برابر ناراحتی‌های احساسی ناشی از مداخله غیرمجاز در امور خصوصی نیز از آنها حمایت کند. این مقاله، در دورانی که روزنامه‌ها برای فروش بیشتر خود به مطالب جنجالی و سطحی و چاپ شایعات رو می‌آوردند حق قانونی جدیدی را پیشنهاد می‌کند که بعدها منبانی را برای مفاهیم حتی گسترده‌تر حریم شخصی اطلاعاتی تشکیل می‌دهد.

حق تعقیب متعرضین به حریم شخصی در نتیجه، قوانین همه کشورهای غربی حق افراد را برای تعقیب روزنامه‌ها یا فرستنده‌های تلویزیونی، به خاطر تعرض

■ برخلاف آنچه که سردمداران رشد و توسعه تکنولوژی در بیان اهداف خود مطرح می‌کنند، نیت و هدف واقعی آنان، سودجویی از شرایط جدید ارتباطات انسانی در جهت مطامع سوداگرانه خود می‌باشد که این موضوع، خود باعث بروز مشکلاتی در کشورهای در حال توسعه خواهد شد.

این شرکت‌ها به ۲۳ کاهش یافت. ما بر این نکته می‌افزاییم که از اوایل دهه ۱۹۹۰ با توجه به اخبار دریافتی این رقم باز هم کاهش یافته و یا کاهش می‌یابد.

به این ترتیب، معنی «غول رسانه‌ای» با ادغام این همه شرکت‌های ارتباطی بیشتر روشن می‌شود. در مورد غول‌های رسانه‌ای، یک نشریه انگلیسی، با تهیه فهرستی از موفق‌ترین و ثروتمندترین صاحبان رسانه‌های جمعی، مقام نخست را به رئیس مؤسسه «نیوزکوپریشن» اعطا کرده است. خبرگزاری جمهوری اسلامی که نام این نشریه را ذکر نکرده است در گزارشی از لندن که در روزنامه کیهان ۲۱ شهریور ۷۴ منتشر شده است می‌گوید: مسؤلیت اداره مؤسسه «نیوزکوپریشن» را یک یهودی به نام «رابرت مردوخ» سلطان تلویزیون‌های ماهواره‌ای برعهده دارد.

این مؤسسه با سرمایه‌ای متجاوز از ۲۰ میلیارد دلار، علاوه بر در اختیار داشتن ۴۰ درصد سهام شرکت تلویزیون ماهواره‌ای «بی، اسکان، بی» چندین روزنامه و نشریه نیز در اروپا، آمریکا و استرالیا در اختیار دارد و صاحب یک انتشارات معتبر و استودیوی مشهور «فوکس قرن بیستم» و یک شبکه در «اینترن» است.

مقام دوم در فهرست ۵۰ تن از قدرتمندترین صاحبان رسانه‌های بین‌المللی به «بیل گیتس» صاحب شرکت کامپیوتری «مایکروسافت» سازنده نرم‌افزار «ویندوز» اعطا شده است که علاوه بر در اختیار داشتن یک شبکه در «اینترن»، سه تازگی هشتمین استودیوی فیلم‌سازی هالیوود را در رقابت با هفت استودیوی سنتی این شهرک برپا کرده است. نفر سوم «مایکل ایزنر» رئیس شرکت

«والت دیزنی» است، که علاوه بر در اختیار داشتن پارک‌های تفریحی مشهور در آمریکا، اروپا و ژاپن و مالکیت چند کانال تلویزیونی، اخیراً شبکه «ای.بی.سی» را نیز که یکی از سه شبکه اصلی تلویزیونی در آمریکاست، به لیست دارایی‌های خود اضافه کرده است.^{۱۱}

با پیدایش غول‌های رسانه‌ای، پدیده ارتباطات به عنوان عنصر گردش اقتصادی در تجارت جهانی مطرح شده است. در حال حاضر، تجارت اطلاعات در جهان امروزی حرف اول را می‌زند. نتیجه آنچه را که «ال‌گور» در سال ۱۹۹۴ برای جهان آینده ترسیم کرده بود در همان سال و در بخش اقتصادی جهان به خوبی مشاهده می‌کنیم.

براساس آمار منتشر شده در سال ۱۹۹۴، تجارت ارتباطات در جهان در بخش‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، رقمی بالای ۱۵۰۰ میلیارد دلار را به خود اختصاص داده است. تجارت آهن در سال ۹۴، کمتر از ۱ تجارت ارتباطات یعنی حدود ۵۰۰ میلیارد دلار، تجارت گندم کمتر از ۱۰ یعنی حدود ۳۷۵ میلیارد دلار، تجارت انرژی کمتر از ۱۰ یعنی کمتر از ۷۵۰ میلیارد دلار و بالاخره تجارت اتومبیل نیز کمتر از ۱۰ ارتباطات، یعنی ۵۰۰ میلیارد دلار گزارش شده است.^{۱۲}

یک‌سال پیش دکتر حمید مولانا در مقاله‌ای نوشت: «در یک همدستی بی‌سروصدا و در یک تبانی آشکار، که کمتر توجه اشخاص و مقامات غیرتخصصی را به خود جلب کرده آمریکا و اروپا مشغول طراحی و تأسیس یک زیرساخت اطلاعاتی جهانی هستند. این زیرساخت عظیم ارتباطی و اطلاعاتی که به «بزرگراه‌های اطلاعاتی» معروف شده همانند زیرساخت‌های تلگرافی و راه‌آهن قرن نوزدهم و بزرگراه‌های حمل‌ونقل و خطوط هوایی قرون بیستم، توازن قدرت را در آمریکا و اروپا حفظ کرده و سیادت غرب را در تصمیم‌گیری و سیاستگذاری مسایل سیاسی، اقتصادی، تجارتي، فرهنگی و نظامی جهانی ضمانت خواهد کرد.»^{۱۳}

نوشتار دکتر مولانا، حاکی از آن است که در مدتی بسیار کوتاه، خواسته‌های «ال‌گور» از آرزو به عمل رسیده است و فراتر از آن: در اجابت خواسته‌های آمریکا «نه تنها آمریکا و اروپای غربی، به‌خصوص هفت‌کشور بزرگ صنعتی»، طراحی و معماری این زیرساخت اطلاعاتی را عهده‌دار شده‌اند بلکه دولت‌ها و

به‌ویژه مؤسسه‌های خصوصی و شرکت‌های بزرگ بازرگانی آنان، مالکیت این بزرگراه‌های اطلاعاتی را در دست داشته و در توسعه و کنترل آن شرکت دارند. کشورهای سوسیالیستی سابق از جمله اروپای شرقی و جهان به اصطلاح «سوم» در این زیرساخت، سهم و ابتکاری ندارند، بلکه نقش آنان، بیشتر به صورت تماشاگر و مصرف‌کننده است. از طرفی، بسیاری از کشورهای غیراروپایی و آمریکایی، نه تنها در ساختمان این زیربنای اطلاعاتی و ارتباطی شرکتی ندارند، بلکه از مفهوم، نقشه، اهداف، امکانات و عواقب آن بی‌خبر بوده و بنابراین از سیاست‌گذاری در مقابل این شبکه جهانی بسیار دور هستند.^{۱۴}

آمریکا با ثروت سرانه ۴۲۱ هزار دلار، ۲۵۷/۶ میلیون جمعیت و ۱۰۸/۴۵ تریلیون دلار ثروت که به تنهایی ۲۲/۸۴ درصد کل ثروت جهان را در اختیار دارد (به استناد گزارش بانک جهانی در سال ۱۹۹۵ و براساس معیارهای جدید تعیین ثروت کشورها) نقش تعیین‌کننده در ساختار بزرگراه‌های اطلاعاتی جهان را داراست. آمریکا برای اجرای طرح زیرساخت اطلاعاتی موردنظر «ال‌گور» از ثروت خود قریب به ۵ میلیارد دلار خرج می‌کند.^{۱۵}

براساس پیش‌بینی به عمل آمده، پنج صنعت بزرگ دنیا یعنی: کامپیوتر، مخابرات، الکترونیک، چاپ و انتشارات، تفریحات و سرگرمی در یکدیگر ادغام شده و یک صنعت بزرگ جهانی را به وجود می‌آورند. این آمیزش صنایع ارتباطی، واحد جدیدی را در سطح جهانی به وجود آورده است که با شروع قرن بیست‌ویکم، یعنی سال ۲۰۰۱ میلادی، ارزش آن به ۳۵۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید. پس بی‌دلیل نیست که شرکت‌های بزرگ ارتباطی، برای بیرون کردن دیگر رقبای، این‌گونه به دامان یکدیگر پناه می‌برند و در هم ادغام می‌شوند. آنها می‌خواهند از سودهای بادآورده قرن بیست‌ویکم سهم بیشتری داشته باشند.

این سودطلبی اکنون باعث تعارض‌هایی در سیاست‌های اروپا و کشورهای صنعتی جهان در ارتباط با آمریکا شده است؛ برای مثال، از یک سو اتحادیه اروپا در نظر دارد برای پایان دادن به انحصار آمریکا و محرمانه نگه‌داشتن اطلاعات خود به تأسیس یک سیستم اطلاعاتی «اینکوپریشن» اروپایی دست بزند^{۱۶} و از سوی دیگر هفت کشور صنعتی

■ امپریالیسم به جای تکیه بر اهرم‌های نظامی، خود را به سلاح اطلاعاتی مجهز می‌کند تا از طریق سیستم گسترده اطلاعاتی در شبکه‌هایی چون اینترنت، ضمن حفظ موقعیت خود به عنوان یک منبع پایان‌ناپذیر از اطلاعات و اخبار موردنیاز جوامع بشری، همچنان به سیادت خود در جهان ادامه دهد.

جهان درباره جامعه جهانی اطلاعاتی، به توافق می‌رسند.^{۱۷}
روزنامه واشنگتن پست در اسفندماه ۱۳۷۳ در گزارشی از اجلاس ویژه نمایندگان کشورهای عضو گروه «هفت» در بروکسل می‌نویسد: «هفت کشور صنعتی جهان، نسبت به پیشبرد یک انقلاب تکنولوژیکی و ایجاد یک جامعه جهانی اطلاعات، اعلام تعهد کردند».^{۱۸}

امریکا، انگلستان، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا و ژاپن ۱۱ پروژه اولیه برای همکاری بین‌المللی در زمینه تکنولوژیهای اطلاعاتی را پذیرفتند. آنها تأکید کردند که اقدامات هماهنگ شده این هفت کشور می‌بایست در نهایت، سایر کشورهای جهان را نیز به داخل جامعه جهانی اطلاعات بیاورد. این تصمیمات در شرایطی گرفته می‌شد که براساس آمار اتحادیه اروپا در همان اسفندماه ۷۳، آمریکا ۳۵ درصد بازار اطلاعات و مخابرات جهانی را در اختیار دارد. این در حالیست که کشورهای جامعه اروپا ۲۷ درصد و ژاپن ۱۷ درصد این بازار پرسود چند میلیارد دلاری را در اختیار دارند. در برابر اتخاذ چنین موضعی بود که رییس کمیسیون اروپا آقای «ژاک سانت»^{۱۹}، خواستار هماهنگی و تلاش کشورهای عضو اتحادیه اروپا در زمینه تکنولوژی اطلاعات و رقابت با آمریکا و ژاپن در مسیر رسیدن به بزرگراه اطلاعاتی شد.

«ژاک سانت» به دولت‌های اروپایی هشدار داد که در صورت آماده نبودن برای تحولات تکنولوژی اطلاعات، در بزرگراه‌های اطلاعاتی سردرگم و نیازمند دیگران خواهند شد. «مارتین بانگمان» کمیسیونر امور صنایع کمیسیون اروپا نیز درباره این کنفرانس و لزوم تلاش سایر کشورهای جهان در زمینه تکنولوژی اطلاعات

گفت: «بزرگراه اطلاعاتی نباید محدود به کشورهای پردرآمد باشد و ممالک در حال توسعه نیز باید این امکان را پیدا کنند تا از منافع آن بهره‌مند شوند و در شبکه‌های بین‌المللی اطلاعات نقش داشته باشند».^{۲۰}

مبانی نظری تکنولوژی‌های نوین ارتباطی

«آنتونیو گرامشی»، شورسین ایتالیایی می‌گوید: «طبقات حاکم جامعه، حاکمیت خود را از طریق کنترل باورها و فرهنگ تداوم می‌بخشند».^{۲۱}

بررسی راه‌های تازه جهت سلطه‌گری نوین به‌وسیله تکنولوژی نوین اطلاع‌رسانی، بدون شناخت مبانی نظری و تئوریک این سلطه‌گری قدری دشوار خواهد بود.

پس از فروپاشی و اضمحلال دولت کمونیستی اتحاد جماهیر شوروی در پایان دهه ۹۰، پیوستن مجدد آلمان غربی و شرقی و سقوط حکومت‌های کمونیستی در اروپا، نظریاتی چون «نظریه پایان تاریخ» از سوی فرانسیس فوکویاما به منزله پیروزی حکومت لیبرال و سلطه لیبرال‌های آمریکا بر سراسر جهان و یا نظریه برخورد تمدن‌ها که از سوی ساموئل هانتینگتون مطرح شده، معتقد است جهان پس از دهه ۹۰ قرن بیستم، به جای رقابت‌های نظامی، شاهد رقابت‌ها و نزاع‌های فرهنگی خواهد بود. این نظریه‌ها، بیانگر طرح نظری جدیدی در سیاست‌های خارجی غرب سلطه‌گر به رهبری آمریکاست. بدیهی است که در برخورد تمدن‌ها، فرهنگ نقش کلیدی را دارد و تهاجم فرهنگی آمریکا به کشورهای در حال توسعه به‌وسیله تکنولوژی‌های نوین ارتباطی همچون ماهواره‌ها و یا شبکه‌های

محرمانه مجاز به حریم خصوصی آنها به رسمیت شناخت. چنین حقوقی، به استفاده غیرمجاز از نام یا شکل و شباهت شخص در تبلیغات تجاری نیز گسترش می‌یابد و به استان ژمان - که به طوری قابل شناسایی بر تجربه خصوصی شخص بسایه «افشاسگری‌های» حساسی روزنامه‌نگاران در باره افراد متکی باشد - نیز قابل تکمیل است. در ایالات متحده چنین حقوقی به‌وسیله متمم اول قانون اساسی - که آزادی بیان و مطبوعات را تضمین می‌کند - محدود شده است. این حقوق پیروز در مورد «افشاسگری» خصوصی مانند افراد صاحب مقام یا بزرگان که خود در جستجوی قرار گرفتن در کارن برنده می‌باشند، محدود است. اگر اطلاعات غالب و دارای ارزش خبری باشد برای انتشار آن آزادی گسترده به مطبوعات داده شده است. در تعدادی از کشورها، حمایت از حریم خصوصی در برابر تهاجم غیرمجاز به آن با توانایی که ممکن است اطلاعات سازمان‌های دولتی یا مؤسسه‌های خصوصی مانند بانک‌ها و شرکت‌های اعتباری را علنی کنند، محدود شده است. فرانسه «دیگر» افراد اجازه می‌دهد هر کسی را که به حریم خصوصی آنها تجاوز کند تحت تعقیب قرار دهند.

حریم خصوصی در ارتباطات
استفاده از تلفن، راه برای گسترش دیگر زمینه‌های حق حریم خصوصی هموار کرد. در سال ۱۹۲۷ دادگاه عالی آمریکا می‌بایست تصمیم بگیرد که آیا استراق سمع مکالمه‌های تلفنی مطابق متمم چهارم قانون اساسی، اقدامی به معنای جست‌وجو و مصادره و توقیف هست یا نه؟ اعتقاد اکثریت بر این بود که استراق سمع تلفنی، نقض قانون و تجاوز به حقوق دیگران نیست چون هیچ چیز خصوصی، توقیف و مصادره نمی‌شود. قاضی «براندیس» در مخالفت با این نظر گفت که تفسیر متمم چهارم قانون اساسی این است که از حق رها کردن مردم به حال خود - که جامع‌ترین حقوق و حقی است که انسان تمدن پیش از هر حق دیگری

طلاعاتی، شیوه‌های اجرایی و قابل قبول برپایه چنین مبانی نظری و عقیدتی است. برای شناخت مبانی تئوریک هدف تکنولوژی اطلاع‌رسانی غرب در سلطه فرهنگی و وابستگی فکری جهان سوم، شناخت و بررسی برخی نظریات نوین نظریه‌پردازان آمریکایی ضروری است.

نظریه رویارویی تمدن‌ها

«ساموئل هانتینگتون» در مقاله رویارویی تمدن‌ها که تابستان ۱۹۹۳ در نشریه «فارین افایرز» Foreign Affairs چاپ شده است به طرح نظریه «رویارویی تمدن‌ها» پرداخته است.



«هانتینگتون» استاد برجسته کرسی حکومت و رییس موسسه مطالعات استراتژیک در هاروارد است. مقالاتی که در نشریه «فارین افایرز» می‌آید علاوه بر آنکه از لحاظ ساختاری، علمی محسوب می‌شوند، حاوی دستورالعمل‌های اجرایی نیز هستند. انتشار مقاله «هانتینگتون» به عنوان یک نظریه‌پرداز با نفوذ در محافل علمی و سیاسی غرب در این فصلنامه، خود حاکی از اهمیت مسأله است و بذل توجه دقیق به نظریات وی و بررسی عمیق و همه جانبه نکات مطرح شده را ایجاب می‌کند.

در مقاله رویارویی تمدن‌ها^{۲۲} «هانتینگتون» مدعی شده است که با پایان گرفتن جنگ سرد (از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۹ اشغال افغانستان و بعد

تا ۱۹۸۹) دوران رقابت ایدئولوژیکی نیز خاتمه یافته و دوران جدیدی به نام عصر «رویارویی تمدن‌ها» آغاز شده است. نویسنده، تمدن‌های زنده دنیا را به هفت تمدن بزرگ یعنی غربی، کنفوسیوسی، ژاپنی، اسلامی، هندو، اسلاو- ارتدکس، آمریکای لاتینی و احتمالاً تمدن افریقایی تقسیم می‌کند و وجوه تمایز فرهنگی تمدن‌های مختلف را منشأ درگیری‌های آتی می‌داند.

از نظر «هانتینگتون» برخورد تمدن‌ها، دیگر مسائل جهانی را تحت الشعاع قرار می‌دهد و صف‌آرایی‌های تازه‌ای در میان تمدن‌های مختلف به وجود می‌آورد؛ از جمله تمدن‌های اسلامی و کنفوسیوسی در کنار هم منابع تمدن غرب را به مبارزه می‌خوانند.^{۲۳} «هانتینگتون» می‌گوید:

تصمیماتی که در شورای امنیت سازمان ملل یا در صندوق بین‌المللی پول گرفته می‌شود و منعکس‌کننده منافع غرب است، به عنوان خواسته‌های «جامعه جهانی» به دنیا عرضه می‌شود. از طریق صندوق بین‌المللی پول و دیگر نهادهای اقتصادی بین‌المللی، منافع اقتصادی خود را دنبال و آن دسته از سیاست‌های اقتصادی را که مناسب می‌داند بر دیگر ملت‌ها تحمیل می‌کند.

رهنمودهای ساموئل هانتینگتون

«در کوتاه‌مدت، منافع غرب به روشنی ایجاب می‌کند که همکاری و یگانگی بیشتری در درون تمدن خود - به‌ویژه بین اجزای اروپایی و آمریکای شمالی آن - به‌وجود آورد. آن دسته از جوامع در اروپای شرقی و آمریکای لاتین را که فرهنگ آنها به غرب نزدیکتر است به خود ملحق سازد، روابط مثبتی بر همکاری با روسیه و ژاپن را حفظ و تقویت کند، از بدل شدن منازعه‌های محلی بین تمدن‌ها به جنگ‌های عمده میان تمدن‌ها جلوگیری کند، دامنه قدرت نظامی کشورهای کنفوسیوسی - اسلامی را محدود سازد، روند کاهش قابلیت‌های نظامی خود را آرام‌تر و برتری نظامی در شرق و جنوب غربی آسیا را حفظ کند، اختلاف و درگیری‌های موجود بین کشورهای اسلامی و کنفوسیوسی را مورد بهره‌برداری قرار دهد، از گروه‌هایی که در درون تمدن‌های دیگر به ارزش‌ها و منافع غرب گرایش دارند پشتیبانی کند، آن دسته از نهاد‌های

بین‌المللی را که منعکس‌کننده منافع و ارزش‌های غرب هستند و به آنها مشروعیت می‌بخشند، تقویت و مشارکت کشورهای غیرغربی در نهادهای مزبور را تشویق کند.^{۲۴}

در حالی که سوک تیز پیکان تهاجم «هانتینگتون»، به سمت کشورهای اسلامی نشانه می‌رود برخی از متفکران غربی معتقدند برخورد واقعی برخلاف نظر وی در میان فرهنگ غرب صورت می‌گیرد.

«جیمز کورث James Kurth» در مقاله مفصل «برخورد واقعی»^{۲۵} در نشریه «منافع ملی» (The National Interest) در نقد آرای «هانتینگتون» می‌نویسد:

«غرب، آبستن مهم‌ترین تحولات است و برخورد واقعی نیز در درون تمدن غرب به‌ویژه آمریکا صورت خواهد گرفت، چندگانگی فرهنگی و حرکت‌های فمینیستی از جمله زمینه‌های لازم برای بروز درگیری در درون تمدن غربی است. «کورث» می‌افزاید: «برخورد واقعی بین غرب و دیگران نخواهد بود، بلکه در درون تمدن غرب ما شاهد برخورد غرب و فراغرب (West & Post West) خواهیم بود، نشانه‌هایی از این برخورد در حال حاضر در غرب به چشم می‌خورد که از جمله می‌توان به درگیری‌های فکری طبقات مختلف آمریکا و توسعه آن به بدنه سیاسی آمریکا اشاره کرد.»^{۲۶}

شورای روابط خارجی و سیاست خارجی آمریکا

«ساموئل، پی هانتینگتون»، عضو شورای روابط خارجی آمریکا است که یک نهاد برنامه‌ریز است و بیشتر به مطالعه درازمدت و مستمر می‌اندیشد تا «افکار عمومی» را برای پذیرش دیدگاه‌های خود آماده کند. پیوند این شورا با دانشگاه‌های برگزیده، مجامع مطالعات سیاست خارجی، شبکه‌های رادیو - تلویزیونی و مطبوعات آمریکایی قابل توجه است. این شورا، همچنین دارای روابط اساسی با «بنیادهای خیریه» و «مجامع انسان دوست» آمریکایی مانند بنیادهای کارنگی، فورد، راکفلر و... است. این بنیادها که «جبهه چهارم» سیاست خارجی آمریکا را در برابر ملت‌های جهان سوم گشوده‌اند کار «کنترل فرهنگی» و «آموزش نخبان جهان سومی» برای اشغال پست‌های حساس سیاسی و اقتصادی در کشورهایشان را برعهده دارند و معتقدند سیاست فرهنگی و آموزش هر کشوری، جنبه

چهارم این سیاست (در مقابل جنبه‌های اقتصادی سیاسی و نظامی) است که در خدمت جنبه‌های سه‌گانه دیگر و در تطابق کامل با آن است.^{۲۷}

«شورای روابط خارجی» بیش از پنجاه سال قبل، به دنبال جنگ جهانی اول توسط گروهی از آمریکاییان ثروتمند و متنفذ، تشکیل شد تا ایالات متحده را برای به عهده گرفتن یک نقش امپریالیستی در صحنه جهانی تجهیز کند. بسیاری از آمریکاییان، این شورا را تنها به عنوان سازمانی که مجله فارین افایر Foreign Affairs را منتشر می‌کند، می‌شناسند. دو نشریه معروف آمریکایی این شورا را اینگونه

■ به نوشته یکی از

هفته‌نامه‌های فرانسوی،

پرنفوذترین مرد جهان، «بیل

گیتس» رئیس

«مایکروسافت» است که

بازارهای استراتژیک

ارتباطات را در دست دارد و

در آینده بسیار نزدیک،

راه‌ها و شبکه‌های اطلاعاتی

را نیز تحت کنترل در خواهد

آورد.

برمی‌شمارند:

نیویورک تایمز: «اعضای شورا را برخی از پرنفوذترین مردان در دولت، مشاغل اقتصادی، آموزشی و مطبوعاتی تشکیل می‌دهند. «شورای روابط خارجی» برای نزدیک به نیم قرن، سهم اساسی در شکل‌گیری مفاهیم بنیادی سیاست خارجی آمریکا داشته است.»

نیوزویک: «رهبری شورا»، نهاد تعیین‌کننده سیاست خارجی ایالات متحده است.

حال باید دید که چه کسانی رهبری شورای روابط خارجی آمریکا را برعهده دارند. «لورنس، اچ. شوب» و «ویلیام میتتر» در کتاب «تراست مسغزهای امپراتوری» نوشته‌اند: «همانطور که نقل قول‌های متعدد فوق نشان

می‌دهد، تنها اسامی اعضا، تصویری پرنفوذ از شورا را به نمایش می‌گذارد. رییس کنونی شورا «دیوید راکفلر» از بانک چیس مانهاتن، مردی با ثروت شخصی و قدرت مالی باورنکردنی است. «آلن دالس» وکیل وال‌استریت، که برای بیش از چهل سال یکی از مدیران شورا بوده است در تأسیس «سی.آی.آی» (C.I.A) سهیم بود و هدایت آن را بر عهده داشت و در همان حال، برادرش «جان فاستر دالس»، که وی نیز از اعضای شورا بود، وزارت امور خارجه را اداره می‌کرد. چهره بارز جهان دیپلماسی، «هنری کیسینجر» نیز یکی از دست پرورده‌های این شورا است که فعالیت خود را در امور خارجی، به عنوان گزارشگر یکی از گروه‌های مطالعاتی شورا آغاز کرد. «کیسینجر»، بعدها به «هامیلتون فیش آرمسترانگ»، یکی از رهبران شورا که نقشی کلیدی در صعود وی به قدرت ایفا کرد گفت: «شما، مرا به اینجا رساندید.»

این فهرست را می‌توان با ذکر اسامی سرمایه‌داران برجسته، وکلای وال‌استریت، محققان دانشگاه‌های اتحادیه «آیوی» (I.V.Y) و مقامات عالی‌رتبه دولتی و به‌طور خلاصه مجموعه‌ای از چهره‌های «نهادحاکمه» ادامه داد.^{۲۸}

«دین راسک» (وزیر امور خارجه و وزیر جنگ سابق)، «دوایت آیزنهاور» (رییس جمهور)، «جورج بال» (معاون وزیر امور خارجه)، «رابرت مک‌نامارا» (وزیر دفاع)، «سایروس ونس» (معاون وزیر دفاع)، از تصمیم‌گیرندگان کلیدی دولت پیرامون سیاست آمریکا در جنوب شرقی آسیا طی سالهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۷۴ بوده‌اند.

روزنامه «نیویورک تایمز» که بیشتر رهبران آمریکا آن را می‌خوانند، لاقلاً ۲۰ نفر از اعضای کسانی هستند که با شورای روابط خارجی و سیاست خارجی آمریکا ارتباط دارند. روزنامه «واشنگتن پست» و مجله «تایم» هم به شورا نزدیک هستند. سه شبکه اصلی رادیو و تلویزیون آمریکا نیز از طریق مدیران خود با شورا مرتبط هستند.

«فارین افایر» که در سطح وسیع خوانده می‌شود به‌وسیله خود شورا منتشر می‌شود. البته «فارین پالیسی» Foreign Policy کم‌کم دارد جای آن را می‌گیرد که آن هم وابسته به شورا است.

کمیسیون سه جانبه، از جمله نهادهای تأسیس شده توسط شورا است که تحت عنوان

برای آن ارزش قابل است - حمایت شود و بر این اساس، استراق سمع اگر به اندازه دیگر تفتیش‌ها و مصادره‌ها و توقیف‌ها، تجاوز به حقوق مردم نباشد، کمتر نیست. چهارده بعد در ۱۹۶۷ دادگاه عالی، نظر «براندیس» را تصویب و اعلام کرد که «شهروندان در مکالمات تلفنی خصوصی خود -انتظاری معقول از حریم خصوصی - دارند و دولت برای این که بتواند به استراق سمع مکالمه‌های تلفنی بپردازد باید حکم قضایی براساس دلیل محتمل و عقلایی دریافت کند.»

ضوابط مربوط به زمان و چگونگی استراق سمع قانونی مکالمه‌های تلفنی خصوصی ایالات متحده به وسیله «قانون ایمنی خیابان‌ها» در سال ۱۹۶۸ تهیه شد. این قانون استراق مکالمه‌های شنیداری را ممنوع کرد مگر این که دولت، حکم قضایی لازم را تهیه کرده باشد و ضوابط مربوط به حداقل رساندن استراق سمع را رعایت کند. قانونگذاران در آن زمان نمی‌توانستند بدانند که این قانون، «پست الکترونیکی» را - که هنوز در مرحله طرح‌ریزی بود - در موقعیتی نامشخص قرار می‌دهد؛ زیرا این ارتباط شنیداری نیست، اگر چه از روی خطوط تلفن سفر می‌کند و ممکن است جانشین مکالمه تلفنی باشد اما از نظر تکنولوژی با آن متفاوت است و مجموعه‌ای از مسایل تازه را به وجود خواهد آورد.

کامپیوتر و حریم خصوصی

از اواسط دهه ۱۹۷۰ موضوع حمایت از اطلاعات خصوصی، بر محور رشد انفجاری کامپیوتر و توانایی آن برای جمع‌آوری، جست‌وجو، مقایسه و ادغام اطلاعات خصوصی درباره افراد می‌چرخید. «طلوع حکومت کامپیوتر»، آنگونه که نویسنده‌ای توصیف کرده است، در طول دوره‌ای رخ داد که در آن به نحو روزافزونی از افراد خواسته می‌شد به منظور شرکت در یک جامعه معامله‌گر امروزی، اطلاعات شخصی در اختیار سانیک‌ها، دفاتر اعتباری، بیمارستانها و شرکتها قرار دهند. در نتیجه، حمایت از

«پروژه دهه ۱۹۸۰» مطرح شده است و آقای «ساموئل هانتینگتون» نظریه پرداز «روبارویی تمدن‌ها» استاد علوم سیاسی دانشگاه هاروارد و یکی از دبیران مجله سیاست خارجی از محققان و همکاران اصلی پروژه دهه ۱۹۸۰ بوده است که حتی در تألیف کتابی به کمسیون سه جانبه نیز یاری رسانده است که همراه «کوپر»، «برژینسکی» و «رابرت روسا»، در کمیته مطالعات شورا به عنوان اولین محرک در ایجاد پروژه دهه هشتاد عضویت داشته‌اند.

کمسیون سه جانبه و ایدئولوژی سه جانبه گرای

کمسیون سه جانبه در سال ۱۹۷۳ پایه‌ریزی شد. بیشتر اعضای کمسیون را، نخبگان سیاسی و اقتصادی آمریکا، اروپا و ژاپن تشکیل می‌دهند.

درباره ایدئولوژی و گرایش‌های سیاسی کمسیون سه جانبه، دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد. اما اشتباه نخواهد بود که اگر گفته شود همان‌طور که در «مانیفست مارکس» آمده بود «کارگران جهان متحد شوید» در ایدئولوژی کمسیون هم آمده است: «سرمایه‌داران جهان متحد شوید».

نهاد تصمیم‌گیری موردنظر کمسیون سه جانبه، گروه هفت کشور بزرگ صنعتی جهان موسوم به «گروه هفت» می‌باشد. این گروه، سرمبنای پیشنهاد کمسیون سه جانبه بنیانگذاری شده است.^{۲۹}

در حال حاضر نیز در راستای عملکرد کمسیون سه جانبه و سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول برای پرداخت وام به کشورهای جهان سوم خواهان تعدیل اقتصادی است.

■ با پیدایش غول‌های رسانه‌ای، پدیده ارتباطات به عنوان عنصر گردش اقتصادی در تجارت جهانی مطرح شده است. در حال حاضر، تجارت اطلاعات در جهان امروزی حرف اول را می‌زند.

پیرامون سیاست تعدیل اقتصادی سیاست تعدیل اقتصادی شامل ۲ مرحله است:

۱. ایجاد ثبات در کوتاه‌مدت، تحولات ساختاری عمیق، ناگزیر زمینه‌ساز بی‌ثباتی اقتصادی (و سیاسی) خواهد بود و دادن وام وسیله مناسبی برای حفظ ثبات اقتصادی سیاسی تلقی می‌شود. در این راستا، «رونالد ریگان» اعلام کرد که فراهم کردن وام تا زمانی که تعدیل اقتصادی نتایج لازم را به بار آورد سیاست غرب است.

در کوتاه‌مدت، کشور وام‌گیرنده می‌تواند ثبات اقتصادی را تأمین کند. بین سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، در مجموع هفتاد کشور سیاست تعدیل اقتصادی را پذیرفتند و کل بدهی کشورهای جهان سوم که در سال ۱۹۸۸ بالغ بر ۶۵۸ میلیارد دلار بود در سال ۱۹۹۳ به ۱۱۷۰ میلیارد دلار رسید.^{۳۰}

۲. تعدیل ساختارها در میان مدت که با اتخاذ سیاست‌ها و روش‌های زیر صورت می‌گیرد:

۱-۲. انتقال فعالیت‌های اقتصادی از بخش دولتی به بخش غیردولتی، خصوصی‌سازی در عمل موجب افزایش قدرت سرمایه‌داران بزرگ می‌شود. با توجه به ساختارهای سیاسی - اجتماعی کشورهای جهان سوم که در آنها قبیله‌گرایی هنوز حاکم است. خصوصی‌سازی در عمل، به نفع گروه‌ها یا اشخاصی می‌شود که به مراکز تصمیم‌گیری دسترسی دارند. این عمل، باعث برخی سوءاستفاده‌ها نیز می‌شود.

۲-۲. حذف سوبسیدها: این اندیشه لیبرالی اهداف سه‌گانه‌ای را دنبال می‌کند.

۲-۲-۱. کاهش مخارج دولت (به منظور کاهش و جلوگیری از افزایش تورم و در نهایت، کاهش درونی آن.

۲-۲-۲. ایجاد انگیزه تلاش و کار بیشتر، عدم مداخله دولت در ساختارهای اجتماعی و طبقاتی جامعه، بدین‌وسیله و (با در نظر گرفتن مورد پیشین) جنبه‌های ایدئولوژیک تعدیل اقتصادی آشکار می‌شود.

۲-۲-۳. ثبات درآمدها برای حل مسأله تورم، که به دلیل افزایش ناخواسته و یا خواسته تورم، خود باعث آسیب‌پذیری جامعه است.

۲-۴. اتخاذ سیاست تجاری درهای باز، اندیشه حاکم این است که تجارت موجب رشد

می‌شود و صادرات باید برای پرداخت بدهی‌ها افزایش یابد؛ اما با در نظر گرفتن کیفیت پایین تولیدات (و البته کمبودها) در کشورهای توسعه نیافته، صدور تولیدات صنعتی بسیار محدود است.

۲-۵. اجرای سیستم ارزی تک نرخی، از طریق اجرای این سیاست، دولت کنترل مالی و ارزی بر تجارت خارجی خود را از دست می‌دهد.

نظریات نیوت گینگریج:

کتاب «احیای تمدن آمریکایی» (To Renew America اثر نیوت گینگریج، تنها راه حفظ تمدن روبه انقراض آمریکایی را بازگشت به ارزشهای اخلاقی، معنوی و معیارهای فرهنگی می‌داند.

«آمار و ارقام رسمی، گسترش نجومی مفاسد اجتماعی، ناپسامانی‌های فرهنگی و گسیختگی نظام خانواده و تضعیف روزافزون آن را در جامعه آمریکا نشان می‌دهد. بسیاری از صاحب‌نظران از جمله نیوت گینگریج، زیگینو برژینسکی، جیمی کارتر و ویلیام بنت، انحطاط فرهنگی و معنوی و فساد اخلاقی را عوامل اصلی انقراض تمدن آمریکایی می‌دانند و درباره آینده آن هشدار می‌دهند. گینگریج برای جلوگیری از انقراض تمدن آمریکایی و هدایت آمریکا در عصر اطلاعات، به یک انقلاب تمام عیار در جنبه‌های مختلف جامعه آمریکا معتقد است. وی اصول انقلاب اجتماعی در آمریکا را در کتاب احیای تمدن آمریکایی به رشته تحریر در آورده است. این کتاب در دومین هفته انتشارش جزو پرفروش‌ترین کتاب‌های آمریکا شده است، حاصل نوشته نیوت گینگریج را می‌توان بر چهار محور زیر تقسیم کرد:

۱. آمریکا دارای تمدن ویژه‌ای است (نظر ساموئل هانتینگتون).

۲. امروزه، تمدن آمریکایی در آستانه انقراض قرار دارد.

۳. عوامل انقراض تمدن آمریکایی، داخلی است و نه خارجی (نظر برژینسکی).

۴. بقای تمدن آمریکایی در عصر موج سوم اطلاعات، مستلزم بروز انقلابی تمام عیار در جنبه‌های مختلف جامعه آمریکا است.^{۳۱}

«نیوت گینگریج» رییس مجلس نمایندگان آمریکا که به شدت از اندیشه‌های دوست‌دیرینه خود «الوین تافلر» متأثر است در کتاب

«احیای تمدن آمریکایی» مدعی است که آمریکا برای تجدید حیات تمدن در حال انقراض خود باید رهبری انقلاب عصر اطلاعات را در دست گیرد. زیرا در این امر، برای آمریکا منافع عظیمی نهفته است. همان‌گونه که بریتانیای کبیر از رهبری انقلاب صنعتی بسیار بهره‌مند شد، آمریکا باید با ارائه کالاها، خدمات، سیستم‌ها و استانداردهای جدید مربوط به انقلاب تکنولوژیکی، رهبری انقلاب عصر اطلاعات را در دست گیرد.^{۳۲}

نظریات الوین تافلر

«الوین تافلر» در کتاب «جنگ و پاد جنگ» - آخرین اثرش که به زبان فارسی برگردانده شده است - تمدن را به عنوان یک شیوه زندگی تعریف می‌کند که نظام ویژه‌ای را برای تولید ثروت در کنار دارد.

به نظر «تافلر»، برخورد تمدن‌ها در آینده قطعی است اما نه آن‌سان که هانتینگتون می‌گوید و نه در امتداد خطوطی که او ترسیم می‌کند. «تافلر» در پهنه تاریخ بر سه «آبرتمدن» فراگیر انگشت می‌گذارد.

اول - ابر تمدن ده‌هزار ساله کشاورزی که نخستین موج تغییر را به راه انداخت.

دوم - ابر تمدن صنعتی که دو موج کوچک دگرگونی را در اروپای غربی و آمریکای شمالی برپا کرده و همچنان در دیگر نقاط جهان دامن می‌گستراند.

سوم - ابر تمدن دانش پایه که در شاخه‌های غربی، ژاپنی و کنفوسیوسی در حال سربرآوردن است.

به نظر «تافلر»، ما در جهان سه بخشی زندگی می‌کنیم که هر بخش آن در برگرفته ملت‌ها و جوامعی است و نماینده تمدنی از

■ براساس آمار منتشر شده در

سال ۱۹۹۴، تجارت ارتباطات در

جهان در بخش‌های نرم‌افزاری و

سخت‌افزاری، رقمی بالای ۱۵۰۰

میلیارد دلار را به خود

اختصاص داده است. در حالی

که تجارت آهن کمتر از ۱

تجارت گندم کمتر از ۱ و تجارت

انرژی کمتر از ۱ تجارت

ارتباطات بوده است.

تمدن‌های سه‌گانه فوق با فرهنگ‌ها، هنرها، باورهای مذهبی و سطوحی از دانش و علوم خاص خود می‌باشد.

از دید «تافلر»، نبرد سترگ آینده، از افت‌وخیز و هم‌چشمی و حمله و ضدحمله این گروه‌های تمدنی بزرگ، یا به تعبیر او، از برخورد امواج تاریخ پدید می‌آید.

«تافلر» می‌گوید: ملت‌های موج سوم، اطلاعات و نوآوری، مدیریت، فرهنگ و فرهنگ مردمی، تکنولوژی پیشرفته، نرم‌افزار، آموزش، مراقبت پزشکی و خدمات مالی و غیره به جهان می‌فروشند. همچنین، یکی از این خدمات می‌تواند به صورت پشتیبانی نظامی درآید که مبتنی بر حکم نیروهای برتر موج سوم است (یعنی در واقع، آنچه ملت‌های برخوردار از تکنولوژی پیشرفته و جنگ خلیج فارس، برای کویت و عربستان سعودی فراهم ساختند).

«تافلر»، همچنین معتقد است در موج سوم، سرمایه‌های ناپیدا مانند اطلاعات به صورت سرچشمه اصلی در می‌آیند و کسارهای غیرمولد (خدمات) افزایش پیدا می‌کنند.^{۳۳}

نظریات نیل پستمن درباره بزرگراه‌های اطلاعاتی

نیل پستمن Neil Postman منتقد رسانه‌های گروهی در مصاحبه با نشریه آلمانی «چیپ» (Chip) در برابر این پرسش که آیا رسانه‌های چند منظوره - موجب دگرگونی جهان در سال‌های ۹۰ خواهد شد؟ پاسخ می‌دهد: «من معتقدم که این امر، زندگی واقعی انسان‌ها و نیز فرهنگ را به اندازه بسیار ناچیزی دگرگون خواهد کرد. انسان‌ها، مشکلاتی در رابطه با دوستان خود اعم از زن و مرد، با والدین و یا دشواری‌های شغلی دارند، و رسانه‌های گروهی چند منظوره در آینده نیز شاید به هیچ‌وجه، به این گستره‌ها دست پیدا نکنند.

وقتی خبرنگار «چیپ» (Chip) می‌گوید: اما تاکنون برخی چیزها را دگرگون کرده‌اند. «نیل پستمن» می‌گوید: «من مطمئن نیستم که واقعاً کامپیوتر در امر دگرگونی کیفیت زندگی شهروندان معمولی، سهمی داشته است. این امر حقیقت دارد که کامپیوتر، تحول بزرگی برای سازمان‌های عظیم و مؤسسه‌هایی نظیر شرکت‌های هواپیمایی، دفاتر مالیاتی و

حریم خصوصی افراد دیگر با توسل صرف به قوانین و سیاست‌هایی که «حق به حال خود رهاشدن افراد» را تضمین می‌کنند، امکان نداشت. در حقیقت به جای آن، شهروندان در جوامع امروزی به قوانینی نیاز دارند که در مورد اطلاعاتی که ممکن است توسط سابقه نگه‌داران ثالث جمع‌آوری، نگهداری و منتشر شود به آنها اختیار و کنترل بدهد.

در تسعادی از کشورهای غربی، مقرراتی درباره «شیوه‌های عادلانه اطلاعات» تهیه شده است تا اصولی برای حمایت از اطلاعات در سوابق شخص ثالث فراهم آید. این مقررات براساس این اصول استوار هستند که تنها داده‌های مربوط و ضروری جمع‌آوری شوند، فرد مورد نظر بداند چه اطلاعاتی درباره او جمع‌آوری می‌شود، و اطلاعات جمع‌آوری شده برای یک منظور، برای منظور دیگری استفاده نشود؛ مردم باید حق داشته باشند اطلاعات جمع‌آوری شده درباره خود را ببینند و در مورد آن اظهار نظر کنند.

کمیسیون‌های ملی حمایت از حریم خصوصی

کانادا، آلمان و بعضی دیگر از کشورهای غربی سازمان‌ها یا کمیسیون‌های ملی حمایت از حریم خصوصی افراد تشکیل داده‌اند تا اطمینان یابند که دولتها و شرکتهای خصوصی «شیوه‌های عادلانه اطلاعات» را رعایت می‌کنند. در ایالات متحده، پس از این که رسوایی «واترگیت» در اوایل دهه ۱۹۷۰ نشان داد که مقامات سطح بالای دولتی از سوابق دولتی سوءاستفاده و از اطلاعات شخصی برای ارباب رقیبان سیاسی و جاسوسی در امور آنها استفاده می‌کنند فشار افکار عمومی، باعث تصویب «قانون حریم خصوصی» در سال ۱۹۷۴ شد. در این قانون ضوابطی برای شیوه‌های عادلانه اطلاعات در نظر گرفته شده است، اما هیچ سازمانی برای حمایت از حریم خصوصی مردم یا اطلاعات مربوط به آنها به وجود نیامد. این قانون در زمانی به تصویب رسید

پنتاگون به همراه داشته، اما برای قصاب، نانوا، قفل‌ساز، راننده تاکسی و آموزگار چیزی عوض نشده است.»

«پستمن» معتقد است به‌وسیله این دستگاه‌ها نمی‌توانیم از مرزهای درک حسی و تجربی بسیار فراتر رویم. او تأکید می‌کند: «مسئله اطلاعات عمده نیست، بلکه مفهوم و مضمون مطرح است.»^{۲۴}

دیدگاه‌های اقتصادی نیل پستمن

«نیل پستمن» در کتاب «تکنوپولی» اسارت فرهنگ و اخلاق و مذهب و در یک کلام جامعه را در چنگال تکنولوژی بررسی می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که «تکنولوژی بدون اخلاق» جامعه آمریکا را به انهدام کشانده و چنین جامعه‌ای، موجودیت سیاره خاکی را به خطر انداخته است.

«نیل پستمن» در کتاب «زندگی در عیش، مردن در خوشی»، از آثار تخریبی وسایل جدید ارتباطی پرده برمی‌گیرد و می‌گوید که: «خانواده‌ها با هر دیدگاه و نظام فکری - اعتقادی، مایلند فرزندانشان را طوری تربیت کنند که خود می‌خواهند. درحالی که ماهواره، فرزندان ایشان را آن‌گونه تربیت می‌کند که ابر رسانه‌ها می‌خواهند. به تعبیر دیگر، ماهواره‌ها جایگزین والدین می‌شوند و ابتکار عمل را در پرورش همه‌جانبه فرزندان ما به دست می‌گیرند. آن‌گونه که اقتصاد، بازار، سود و تجارت می‌خواهد.»^{۲۵}

پایان تاریخ از دیدگاه «فرانسیس فوکویاما»

«فرانسیس فوکویاما» پژوهشگر پیشین راندکورپوریشن Rand Corporation که به عنوان معاون مدیر برنامه‌ریزی سیاسی وزارت امورخارجہ دولت آمریکا فعالیت می‌کرد مؤلف یک مقاله شانزده صفحه‌ای است که از هنگام انتشارش (تابستان ۱۹۸۹) در نشریه لیبرال «منافع ملی» The National Interest تاکنون، جدل‌های قلمی و تفسیرهای پرشوری را در جهان برانگیخته است.^{۲۶}

فوکویاما چه می‌گوید؟ او می‌گوید که تاریخ، پایان می‌یابد. او براین باور است که فروپاشی کمونیسم، نیم سده پس از سقوط فاشیسم، نشانگر نابودی آخرین رقیب تاریخی لیبرالیسم است، نتیجه آنکه استقرار دموکراسی لیبرال در سرتاسر کره زمین اجتناب‌ناپذیر شده و بنابراین تاریخ پایان می‌یابد.

■ براساس پیش‌بینی به

عمل آمده، پنج صنعت

بزرگ دنیا یعنی: کامپیوتر،

مخابرات، الکترونیک، چاپ

و انتشارات، تفریحات و

سرگرمی در یکدیگر ادغام

شده و یک صنعت بزرگ

جهانی را به وجود

می‌آورند.

اصطلاح «پایان تاریخ» را فوکویاما از تفسیری که «الکساندرکژو» (Alexandre Kojeve) بر اندیشه هگل نوشته، گرفته است. البته فوکویاما مدعی نیست که لیبرالیسم در میدان عمل در همه جا پیروز شده و همه اختلاف‌ها از کره زمین رخت بر بسته‌اند، او معتقد است در پهنه اندیشه‌ها، لیبرالیسم از این پس برادهان چیره می‌شود؛ چرا که دیگر در برابر خود آلت‌رناتیو نظری (تئوریک) و هم‌وردی معتبر نمی‌یابد. به سخن دیگر، حتی اگر پیروزی لیبرالیسم در «جهان واقعی» هنوز به‌طور درستی تحقق نیافته است، اما باید در نظر داشت که این پیروزی، در زمینه اندیشه‌ها و آگاهی‌ها صورت پذیرفته است.

فوکویاما می‌گوید: «اندیشه لیبرال می‌رود تا در پهنه کره‌زمین به گونه یک واقعیت تحقق یافته از نظر روانی درآید، در میدان ایدئولوژی و نبرد اندیشه‌ها، لیبرالیسم پیروز شده و هیچ رقیب و هم‌وردی در برابر خود ندارد.»^{۲۷}

فوکویاما می‌نویسد: به احتمال زیاد، آنچه که ما شاهد آن هستیم نه فقط پایان جنگ سرد، بلکه پایان تاریخ است: نقطه پایان تحول ایدئولوژیکی بشریت و جهانی شدن دموکراسی غربی به عنوان شکل نهایی حکومت.»^{۲۸}

آن دوینوا در رد نظریه پایان تاریخ فوکویاما می‌نویسد:

«مقاله فوکویاما در هیچ مورد، چیز جدیدی به ما عرضه نمی‌کند. این نوشته، در زمره نوشته‌هایی است درباره «پایان ایدئولوژیها» نظریه‌ای که سی سال پیش از سوی «دانیل بل» Daniel Bell ارائه شد و به‌طور قابل ملاحظه‌ای باز می‌گردد به آنچه که باید آن را

بنیاد ایدئولوژی آمریکایی دانست: باور به اینکه ایالات متحده در سیاست، رمز و راز «خوشبختی» را کشف کرده است. باور به اینکه این فرمول سیاسی قابل گسترش به سرتاسر کره زمین می‌باشد، و بالاخره باور به اینکه تاریخ یک حالت موقتی و گذرا در حیات بشر است (این اندیشه در جهان‌بینی مارکس هم وجود دارد)، سرانجام لیبرالیسم، نه در برابر کمونیسم که در برابر وضعیت خودش مورد قضاوت قرار خواهد گرفت.

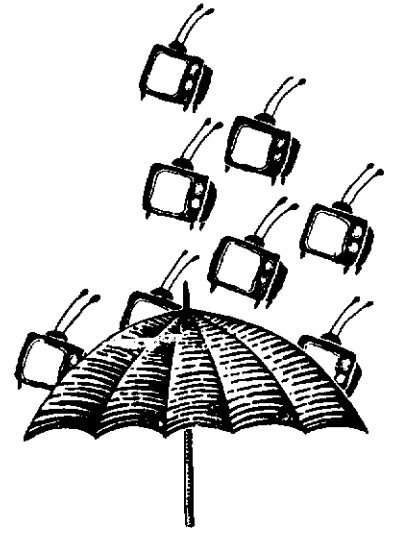
به اعتقاد برژینسکی عضو شورای روابط خارجی، سکولاریسم عنان گسیخته حاکم بر نیمکره غربی، در درون خود «نطفه ویرانی فرهنگ غربی» را می‌پروراند. از این رو، آنچه که ابرقدرت بودن آمریکا را در معرض زوال قرار می‌دهد «سکولاریسم عنان گسیخته غربی» است و نه رویارویی تمدن‌ها. آنچه که باید موجب نگرانی باشد، «فساد درونی» نظام غربی است که نه تنها رهبری آمریکا بلکه فرهنگ آمریکا را، به عنوان معیاری برای دیگران، از بین می‌برد.^{۲۹}

وابستگی فکری جهان سوم، هدف تکنولوژی اطلاع‌رسانی غرب

بازوان اجرایی وابستگی تکنولوژیکی جهان سومی‌ها در عصر نوین ارتباطات، مجامع شناخته شده بین‌المللی مانند کمیسیون سه‌جانبه و یا کنفرانس هفت‌کشور صنعتی هستند. نخستین کنفرانس هفت‌کشور صنعتی ردیف اول، در هفته اول اسفندماه سال ۱۳۷۳ در بروکسل پایتخت بلژیک برگزار شد؛ جایی که در واقع پایگاه فعالیت‌های ناتو (بازوی نظامی غرب است) و نیز بسیاری از سازمان‌های اتحادیه اروپای غربی در آنجا مستقر هستند.

در «کنفرانس بروکسل»، برای اولین بار مبانی اجرایی وابستگی فکری کشورهای جهان سوم با توسل به تکنولوژی اطلاع‌رسانی، با عنوان «یازده خواب تازه صاحبان تکنولوژی اطلاع‌رسانی برای جهان سوم» مطرح شد.

اهم تصمیمات کنفرانس، ایجاد بانک‌های جهانی «اطلاعات و سوابق امور» براساس سلیقه‌ها و مصالح غرب برای همه مردم جهان است. به این ترتیب، غرب می‌خواهد «اطلاعات و سوابق امور» را، آن‌طور که مصالح آن اقتضا می‌کند به خورد مردم جهان دهد و آنها



جمعی را با هم تلفیق می‌کنند. تعامل، در واقع صفت جدایی ناپذیر فرایندهای ارتباطی است.

۲-۱. جمع‌زدایی

رسانه‌های جدید، همچنین خاصیت جمع‌زدایی نسبت به پیام خاصی که می‌تواند بین افراد مبادله شود را دارند و به این معنا است که آنها در این جهت، دست‌کم مخالف رسانه‌های جمعی هستند. جمع‌زدایی، به این معنی است که انتقال کنترل سیستم‌های ارتباط جمعی، معمولاً از تولیدکننده پیام به مصرف‌کننده آن می‌باشد.

۳-۱. ناهم‌زمانی

تکنولوژی‌های جدید ارتباطی، همچنین ناهم‌زمان هستند؛ یعنی توانایی فرستادن یا دریافت پیام در زمانی مناسب برای فرد را دارا هستند. برای نمونه، یک پیام الکترونیکی که از طریق یک شبکه کامپیوتری - تله‌کنفرانس به خانه یا اداره شما فرستاده می‌شود را ممکن است هر وقت که شما بخواهید آن را دریافت کنید. در سیستم جدید، افرادی که در ارتباط شریکند، نیاز ندارند که در یک زمان در ارتباط قرار بگیرند. رسانه‌های جدید غالباً توانایی غلبه بر زمان را به عنوان متغیری مؤثر بر فرایند ارتباط دارند. ناهم‌زمانی در واقع، بخشی از انتقال کنترل از منبع گیرنده در سیستم ارتباطی است که در آن شرایط، کنترل زمان در دست‌های گیرنده وجود دارد، در مقایسه با رسانه‌های یک جهته، محتوای پیام تکنولوژی‌های جدید، بیشتر اطلاعاتی است تا سرگرمی.^{۴۱}

۴-۱. اضافه‌بار اطلاعاتی: اضافه‌بار اطلاعاتی به این معنی است که میزان داده‌ها و اطلاعات به حدی است که شخص یا سیستم قادر نیست از تمامی آنها استفاده کند و یا آنها را به جریان اندازد. بنابراین، منجر به ریزش کاذب اطلاعات شده و اطلاعات اضافی به سوی نابودی پیش می‌رود.

۵-۱. پوشیدگی (حریم - خلوت): وسایل ارتباطی جدید باعث شده‌اند تا افراد جامعه، حریم خصوصی و خلوت خود را به مقدار زیادی از دست بدهند، مساله پوشیدگی، یک مشکل اجتماعی در دریافت خبر یا اطلاعات از رسانه‌های جمعی سنتی نیست، یعنی در

را به نحو یکسان مجهز به اطلاعات و نتیجه‌گیری در افکار و طرح‌ها و برنامه‌ها و هرگونه آینده‌نگری‌شان کند و از این راه، آنها را «وابسته فکری» خود کند.^{۴۰}

تأثیر تکنولوژی‌های جدید ارتباطی در ارتباطات اجتماعی

به‌طور طبیعی، انسانها در برابر هرگونه نوآوری، مخصوصاً نوآوری‌های تکنولوژیکی نوعی واکنش مثبت و یا منفی نشان می‌دهند که این واکنش‌ها می‌تواند در مجموع، تغییرات عمده‌ای را در رفتارهای انسانی - چه در زمینه روابط فردی و چه در زمینه روابط اجتماعی - به وجود آورد.

تکنولوژی‌های جدید ارتباطی در اولین روزهای ورود به جوامع - چه در غرب و چه در شرق - نظریات جدیدی را برانگیخته است که در این میان، ابتدا به چند نمونه از نظریات ارائه شده می‌پردازیم و سپس در یک جمع‌بندی، وجوه گوناگون تأثیر تکنولوژی‌های جدید ارتباطی را در جهان معاصر ارائه خواهیم داد:

۱. نظریه ایورت.م. راجرز

«ایورت.م. راجرز» در مقاله تکنولوژی ارتباطی و رسانه‌های نوین در جامعه، «تأثیر تکنولوژی‌های جدید ارتباطی در ارتباطات انسانی» را بررسی کرده و معتقد است ۳ تأثیر عمده قابل مشاهده است:

۱-۱. تعاملی بودن (دوسویه)

تعاملی بودن، ویژگی اصلی سیستم‌های جدید ارتباطی است. در حقیقت رسانه‌های جدید، ترکیبات دو حالت چهره به چهره و

که حمایت همگانی زیادی از حریم خصوصی به عمل می‌آید. ولی بعدها این حمایت، از ناحیه دولت ضعیف شد و آن هنگامی بود که دولت می‌کوشید تقلب و سوءاستفاده در برنامه‌های کمک‌های مالی دولتی را کشف کند. برای مثال، صورت حقوق کارکنان دولت مرکزی با سوابق وام‌های دانشجویی مقایسه می‌شد تا تقلب‌کنندگان در دریافت وام مشخص شوند، سوابق مهاجران با صورت‌های پرداخت کمک‌های رفاهی مقایسه می‌شد تا مهاجران غیرقانونی که کمک دولتی دریافت می‌کنند، معلوم شوند و سوابق بانک‌های خصوصی با فهرست‌های

■ پیدایش رسانه‌هایی چون:

روزنامه‌ها، مجله‌ها و تلویزیون
باعث ایجاد حق حریم خصوصی
علیه مزاحمت در امور شخصی و
تبدیلات ناخواسته شد.

کمک‌های رفاهی مقایسه می‌شد تا کسانی که موقعیت مالی خود را پنهان می‌کنند شناخته شوند. اگر چه عده بسیاری با خواست دولت برای بهبود کناری آن و کاهش تقلب‌ها موافق بودند، اما این نگرانی وجود داشت که پیوند کامپیوتری گسترده، یک بانک داده‌های اطلاعاتی ملی را به وجود بیاورد که اطلاعات مشروعی درباره هر شهروند جمع‌آوری کند و پس از پیوند تمام اطلاعات، حمایت از حریم خصوصی افراد حتی دشوارتر شود. نگرانی‌های دیگری نیز درباره فسادناپذیری و درستی چنین شبکه‌های کامپیوتری ایجاد شد: آیا این اطلاعات از دست افراد ناباب و کسانی که به‌طور غیرمجاز به شبکه‌های کامپیوتری وارد می‌شوند به دور است یا از سوءاستفاده کارمندان که مقررات حمایت از حریم خصوصی مردم را در انجام وظیفه شغلی خود نادیده می‌گیرند، مصون است؟

نظرها در مورد این که «چه باید کرد؟» متفاوت بود. بعضی‌ها احساس می‌کردند که از سوابق شخص ثالث نباید به‌وسیله قسوتینی که استفاده از این سوابق و دسترسی به آنها را محدود خواهد کرد،

وسایل ارتباط سنتی ماهیت شخص برای عموم مطرح نیست و عضو شونده هیچ چیز را درباره خودش در استفاده از رسانه آشکار نمی‌کند، اما این مسأله در تکنولوژی‌های ارتباطی جدید اجتناب‌ناپذیر جلوه می‌کند. به عنوان مثال، مشکل حق مؤلف است که به وسیله تکنولوژی‌های جدید پدیدار می‌شود؛ به این معنی که با گسترش ماشین‌های چاپ یا زیراکس، حق مؤلف دیگر قابل وصول نیست. حریم و مرزهای ملی و خصوصی کشورهای دیگر معنای خود را از دست داده‌اند. امواجی که ماهواره‌ها می‌فرستند هیچ‌گونه مرزی نمی‌شناسند و به همه گوشه و کنارهای یک کشور و حتی داخل منازل رسوخ می‌کنند.

۶-۱. **عدم تمرکز یا تمرکز دایی:** عدم تمرکز وضعیتی است که یک نظام اجتماعی در آن می‌تواند به طور وسیع، اعضای خود را در قدرت و کنترل سهم کند و تصمیمات در سطح ملی و به صورت غیرمتمرکز اتخاذ شود.^{۲۲}

۲. نظریه دکتر شهیندخت خوارزمی:

خانم دکتر شهیندخت خوارزمی در سمینار تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و نیازهای مخاطب، چهار ویژگی تبدیل‌پذیری، اتصال‌پذیری، همه جا حاضر بودن و جهان‌گرایی را مطرح کرد.^{۲۳} وی سپس در مقاله تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و انسان معاصر علاوه بر این ویژگی‌ها، دو ویژگی دوسویه بودن و تحرک را نیز افزود. وی این ویژگی‌ها را این‌گونه توضیح می‌دهد:

۱-۲. **دوسویه بودن:** مهمترین ویژگی نظام رسانه‌ای جدید، دوسویه بودن است. اگر چه جنبه‌های این خاصیت هنوز درست شکافته نشده و اهمیت آن به طور کامل درک نشده است. در گذشته، مسؤلان رسانه‌ها پیام را به مخاطب منتقل می‌کردند و تمام سعی آنها این بود که خواسته‌ها و نیازهای مخاطب را بشناسند و براساس آن برنامه‌ریزی کنند - به نحوی که پیام از نظر محتوا و فرم هماهنگ باشد - ولی اکنون به بحث این است که مخاطب با فرستنده پیام در یک ارتباط دوسویه قرار گرفته است. صحبت از رسانه‌هایی است که مخاطب را از وضعیت انفعالی و کنش‌پذیری خارج می‌سازند و به او امکان می‌دهند که

به طور فعال در فرایند ارتباط مشارکت نمایند. ۲-۲. **تحرک:** یک خاصیت دیگر رسانه‌های جدید، تحرک است. اکنون ارتباط از هر جا با هر کس، حتی در حال حرکت، امکان‌پذیر است، تلفن همراه (موبایل) در گوشه و کنار بسیاری از شهرهای بزرگ مشاهده می‌شود، با این وسیله حتی در حال رانندگی هم می‌توان با دیگران صحبت کرد.

فوکوبی، بی‌سیم، فکس اتومبیل، ویدئوها و کامپیوترهای جیبی و چاپگرهای قابل حمل، نمونه‌های دیگری از این وسایل هستند.

۳-۲. **تبدیل‌پذیری:** خاصیت دیگر رسانه‌های ارتباطی جدید، تبدیل‌پذیری است، امروز به

■ «تافلر»، معتقد است که در

موج سوم، سرمایه‌های

ناپیدا مانند اطلاعات

به صورت سرچشمه اصلی

در می‌آیند و کارهای

غیرمولد (خدمات) افزایش

پیدا می‌کنند.

راحتی می‌توانیم پیام‌ها را از شکلی به شکل دیگر تبدیل کنیم، از کلام به تصویر، از شفاهی به کتبی، متنی را دیکته می‌کنیم و ماشین بلافاصله آن را تایپ می‌کند، ترجمه‌های خودکار و انواع کاربردهای دیگر، کم‌کم جای خود را در جامعه باز می‌کنند.

۴-۲. **اتصال‌پذیری:** یکی دیگر از خاصیت‌های رسانه‌های جدید، اتصال‌پذیری است، شما امروز هر وسیله ارتباطی را می‌توانید به وسیله دیگر وصل کنید. یکی از نتایج ساده اتصال‌پذیری آن است که مثلاً کامپیوتر شما در شهر «کرمان» به یک کامپیوتر مرکزی (مسین فریم Main Frame) در دره سلیکان (Celikan Valley) قابل وصل است. در شهر تهران، نیز بسیاری از این‌گونه اتصال‌ها صورت گرفته و ارتباطاتی از این قبیل اکنون برقرار می‌باشد.

۵-۲. **همه جا حاضر بودن و در دسترس همگان قرار گرفتن:**

این رسانه‌ها به محض ورود به جامعه، راه خود را باز می‌کنند. به قول معروف اگر از یک در، آنها را بیرون کنید، از در دیگر وارد می‌شوند. زیرا به دلایل فنی اصلاً نمی‌توان جلوی نفوذ آنها را گرفت. این پدیده‌ها از یک سو امیدبخش است و از سوی دیگر می‌تواند بسیار نگران‌کننده باشد؛ نگران‌کننده، به خصوص برای کشورهایی که می‌خواهند تسلط کامل خود را بر رسانه‌هایشان حفظ کنند و مرزهای ارتباطی خود را تحت نظارت و کنترل داشته باشند.

۶-۲. **جهان‌گرایی:** افق دید رسانه‌های جدید، جهانی است. برای نمونه اگر شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای را در نظر بگیرید، متوجه می‌شوید که دیدگاه سیاسی و خط مشی استراتژیک آنها جهانی است، اینها فراتر از مرزها می‌اندیشند و همین مسأله باعث می‌شود که اطلاعات نیز مثل سرمایه، به راحتی و با سرعت زیاد از مرزهای به شدت حفاظت شده عبور کند. به هر حال سلسله اعصابی پدید آمده که در واقع سیاره زمین را در برمی‌گیرد و تمام تصورات ما را از مرزهای جغرافیایی و ملی زیر سؤال می‌برد. اکنون نظامی غول‌آسا و بسیار پر قدرت از رسانه‌ها در حال پیدایش است که تحت کنترل هیچ کشور خاصی نیست و نظارت، تصحیح مسیر و مداخله در فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آن کار بسیار دشوار است.^{۲۴}

تأثیر رسانه‌های نوین ارتباطی بر جوامع بشری

تکنولوژی‌های نوین ارتباطی با بسط و گسترش بزرگراه‌های اطلاعاتی و استفاده از امکانات ماهواره‌ای و کامپیوتری در جهان، اثرات قابل توجهی بر رفتارهای جمعی انسان‌ها خواهند گذاشت. این اثرات را می‌توان در بخش‌های اجتماعی، اقتصادی، روان‌شناسی اجتماعی و حتی حقوقی پیش‌بینی کرد.

۱. اثرات اجتماعی

۱-۱. **نداشتن قدرت جایگزینی.** قبل از فوق‌رسانه‌ها، اگر چنانچه افراد جامعه به یکی از وسایل ارتباط جمعی دسترسی نداشتند می‌توانستند نیازهای خود را با جایگزین کردن

رسانه‌های دیگر برطرف کنند، ولی با رشد تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و ادغام چند رسانه با هم بر روی یک خط پیوسته، دیگر نمی‌توان رسانه‌ای را جایگزین این مجموعه کرد. نداشتن قدرت جایگزینی در صورتی که «فوق رسانه» در انحصار قدرت خاصی قرار بگیرد یک فاجعه بشری خواهد بود؛ زیرا اطلاعات در شبکه‌ای قرار می‌گیرد که هیچکس را از آن گریزی نیست و هیچکس نمی‌تواند بدیلی در برابرش بنهد.

۲-۱. در عصر تکنولوژی‌های فوق رسانه‌ای، برخلاف دوران شفاهی و کتبی، گوتنبرگ که ارتباط از منبع پیام (مانند نشریات،

■ «نیل پستمن»: خانواده‌ها با هر دیدگاه و نظام فکری - اعتقادی، مایلند فرزندانشان را طوری تربیت کنند که خود می‌خواهند. درحالی که ماهواره، فرزندانشان را آن‌گونه تربیت می‌کند که ابر رسانه‌ها می‌خواهند.

رادیو و تلویزیون، تلفن و تلگراف) یک سویه بود و گیرنده پیام نمی‌توانست فیدبک (بازخورد) داشته باشد اکنون با ایجاد سیستم‌های نوین مانند «تلفن تصویری» و «تله کنفرانس»، امکان ارتباط جمعی دوسویه فراهم شده است.

بزرگراه‌های اطلاعاتی، همچنین نوعی بازگشت به ویژگی‌های ارتباطات فردی با واسطه را فراهم کرده‌اند.

۳-۱. ضرورت ادامه حیات «دروازه بان خبر» در سیستم «مولتی مدیا و اینترنت» جهت گزینش اطلاعات و در اختیار مشتریان قرار دادن، چون صاحبان کامپیوترها نمی‌توانند بنشینند و از میان میلیاردها اطلاعات آنچه را که می‌خواهند انتخاب کنند به نظر می‌رسد رسالت خبرنگاران در آینده، کمک به مشتریان اینترنت باشد. از این رو، صاحبان اندیشه‌های ارتباطی،

اهمیت می‌یابند و لازم است در جهان سوم به جای تربیت پزشک به تربیت متخصصان ارتباطات، بیشتر اهمیت داده شود.

۲. اثرات اقتصادی

۱-۲. تسلط صاحبان وسایل ارتباط جمعی بر جامعه‌ای که انحصارات بر آن حاکم است به جای تسلط نخبگان، به قول «سی. رایت میلز» قبلاً نخبگان حاکم بودند و صاحبان وسایل ارتباط جمعی، رابط آنها با جامعه بودند. ولی اکنون برخلاف نظر «میلز»، صاحبان رسانه‌ها دیگر واسطه نیستند که خود عین قدرتند بی‌هیچ واسطه و حجابی.

۲-۲. واگذاری مالکیت رسانه‌ها به بخش خصوصی و ارائه تر خصوصی‌سازی در کشورهای در حال توسعه به منظور فروش انحصاری اطلاعات توسط صاحبان شبکه‌های ارتباطی انحصاری و تغییر برخی مفاهیم اقتصادی مانند: تغییر معیارهای رشد و توسعه - ثروت ملی به جای درآمد ملی - که اخیراً توسط بانک جهانی صورت گرفته است.

۳-۲. ادغام هر چه بیشتر انحصارات تبلیغاتی و افزایش سرمایه‌های کلان صاحبان ارتباط جمعی در دست کسانی چون: «برلوسکنی» در ایتالیا، «بیل گیتس» در مایکروسافت، «تد ترنر» در C.N.N و «رابرت مردوخ» در استار. تی.وی.

۴-۲. جایگزینی خرید و فروش اطلاعات به جای خرید و فروش سهام کارخانجات و شرکت‌های چند ملیتی به دلیل نیاز مدیریت‌ها در کشورهای در حال توسعه به اطلاعات.

۵-۲. افزایش سرسام‌آور اطلاعات بشری حاصل از ماهواره‌های زمین‌شناسی، و جاسوسی به نحوی که روزانه ۱۰^{۱۳} و در حال حاضر ۱۰^{۱۷} بیت مورد اطلاعات دست اول و مفید در حافظه کامپیوترهای صاحبان ماهواره‌ها (و عمدتاً آمریکا) ضبط و حفظ می‌شود.

۶-۲. سوریز شدن اطلاعات به دلیل رشد روزافزون اطلاعات و دشواری روزافزون دسته‌بندی اطلاعات و ارقام جهت استفاده

حفاظت شود. یکی از این کشورها آمریکا است. «قانون ارتباطات کاتلی» سال ۱۹۳۴ در آمریکا ایجاد سیستم‌های تلویزیون، کابل، ماهواره که به مشترکان اجباراً در همه منزلت‌ها خرید می‌دهند. بر اساس این قانون، هر کسی که می‌خواهد از این امور بانکی به‌دفعه در این کشور استفاده کند، باید برای نشان آن شرکت کتبی بپردازد. این شرکت‌ها پس از آنکه برای هر یک از این امور هزینه‌های گزینشی را بپردازند، اطلاعاتی دسترسی دارند که هر یک از این امور را می‌توانند به‌کار ببرند. این اطلاعات به‌کار می‌روند تا شرکت‌های کاتلی را موظف می‌ساخت هرگونه اطلاعات شخصی را که درباره آنها جمع‌آوری و استفاده می‌کند یا منتشر می‌نماید، به آنها گزارش کند و شرکت‌ها را از انتشار اطلاعات، بدون اطلاع قبلی و رضایت طرف مربوطه منع می‌نماید. ثروت اجازه نداشت چنین اطلاعاتی را بدون دستور دادگستری به دست آورد و مشترکان می‌توانستند با این‌گونه تقاضاهای دولت در دادگاه‌ها مبارزه کنند. قوانین مشابهی در ایالات متحده، از سوئیس، بانک و اعتبار حفاظت می‌کرد. پیشنهادهای دیگر برای بهبود حفاظت از سوئیس شخص ثالث شامل: ایجاد سازمان ملی حمایت از داده‌ها، برای نظارت بر حمایت از حریم خصوصی زندگی مردم در ایالات متحده بود.

در دهه ۱۹۸۰ با افزایش میزان جریان داده‌ها در امتداد مرزهای بین‌المللی، چنین مسائلی افزایش یافت. تعدادی از کشورهای از این موضوع نگران شدند که عدم حمایت کسانی از حریم خصوصی در کشورهای دیگر به شهروندان آنها لطمه بزند و به بحث درباره ممنوعیت‌های احتمالی درباره پیوندهای کامپیوتری قواسمی پرداختند. چند کشور اروپایی در پاسخ به این مشکلات، مقرراتی بین‌المللی به منظور اجرای شیوه‌های عادلانه اطلاعاتی وضع کردند. □

نقل از:
International Encyclopedia of Communication, Vol. 3, PP. 370-372
ترجمه: علی حسینی

مطلوب، به دلیل ترافیک سنگین داده‌ها در بزرگراه‌های اطلاعاتی، بسیاری از اطلاعات حاصل از تکنولوژی‌های نوین ارتباطی دست نخورده باقی می‌مانند. اگر روزی بشر، مشکل نداشتن اطلاعات را پیش‌رو داشت حالا از مشکل عدم توانایی جهت استفاده از سیل بی‌امان اطلاعات رنج می‌برد.

۳. اثرات سیاسی

۱-۳. تحولات سیاسی ناشی از گسترش وسایل ارتباط جمعی با گسترش حیطه عمل رسانه‌های جمعی، امکان دخالت در جهت‌دهی رویدادهای سیاسی توسط صاحبان رسانه‌ها بیشتر شده است. به عنوان نمونه، رویدادهای چین و تظاهرات سیاسی دانشجویان در میدان «تیان یان‌مین» و نحوه پوشش خبری «جنگ خلیج فارس» توسط رسانه‌های غرب و یا پوشش خبری تظاهرات سیاهپوستان در ماه اکتبر ۱۹۹۵ در برابر کاخ سفید را می‌توان نام برد که در هریک از این رویدادهای بزرگ سیاسی جهان، شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای همچون شبکه C.N.N افکار عمومی جهان را در شناخت این رویدادها به نفع کاخ سفید ساماندهی کردند.

۲-۳. کاهش اقتدار چهره‌های سیاسی و دولتها، زایل شدن اسطوره مردان قدرتمند، به دلیل اطلاع مردم از زوایای مختلف زندگی معمولی آنها، اندیشه‌های سیاسی‌شان، شکست‌ها و خلاصه عادی شدن رفتارهای آنان توسط دوربین‌های خبری و وسایل ارتباط جمعی.

اگر روزی مردان سیاسی در پشت اتاق‌های در بسته تصمیمات سیاسی را اخذ و یا دور از چشم مردم عادی زدوبند داشتند، اکنون به دلیل افزایش آگاهی عمومی، دست آنها رو شده است و دیگر آن حالت اسطوره‌ای را ندارند. دیگر هاله‌ای از اوامیر پیرامون شخصیت آنها نیست. حتی در کشورهای جهان سوم نیز حجاب پیشین، که واسطه‌ای میان مردم عادی و صاحبان قدرت بود از میان رفته است.

۴. اثرات روانی

۱-۴. تنهایی انسان در جهان اطلاعات و ادامه فردگرایی شدید به دلیل تنهایی انسان در

درون خانه‌اش در آینده، ممکن است دیگر نیازی به مراجعه افراد به محل کارشان نباشد. به عنوان مثال نویسندگان می‌توانند از درون منزل، مطالب خود را به تحریریه بفرستند. تحریریه‌ای که دیگر وجود ندارد. چرا که حتی صفحه‌مطبوعات نیز روی شبکه‌های ارتباطی بسته می‌شود، اصلاً روزنامه‌ای منتشر نمی‌شود. ولی روزنامه خرید و فروش می‌شود. البته نه در بازار، بلکه در منازل و از طریق کامپیوترهای خانگی!

۲-۴. صنعتی شدن هنر: بیم آن می‌رود که خلاقیت‌های هنری انسانی جایش را به طرح‌های پیچیده کامپیوتری بدهد. اکنون طرح‌های کامپیوتری با قابلیت‌های بالا، جایگزین نقاشی سنتی می‌شود که فاقد احساسات صادقانه نقاشان سنتی است.

میلان کوندرا در مقاله تحلیلی «رمان و اروپا» می‌نویسد:

«این ایده‌ها که در کامپیوترها نوشته می‌شوند و از طریق رسانه‌های همگانی انتشار می‌یابند ممکن است به زودی مبدل به نیرویی شوند که تمامی اندیشه اصیل و فردی را در هم کوبد و بدین ترتیب، رشد جوهر فرهنگ اروپایی عصر جدید را مانع شود.»^{۲۵}

۵. اثرات حقوقی

در هم ریختن قواعد حقوقی و پدیدار شدن آسیب‌های جدید اجتماعی؛ از نظر حقوقی

■ پیچیدگی و ظرافت‌های

غول شبکه جهانی

اطلاع‌رسانی، مانع از آن

نیست که از شکنندگی و

آسیب‌پذیری بزرگراه‌های

اطلاعاتی جلوگیری کند. این

آسیب‌پذیری، راه را برای

اقدامات تدافعی و یا تهاجمی

کشورهای در حال توسعه

باز می‌گذارد.

نیز به دلیل عدم تسلط دولت‌ها بر بزرگراه‌های اطلاعاتی و احتمال سرقت، دزدی، قتل و موارد دیگر جرایم فردی، نیاز به فصل تازه‌ای در حقوق روابط بین‌المللی دارد که کار تدوین آن با توجه به ضعف مفروض سازمان‌های بین‌المللی کنونی بسیار دشوار به نظر می‌رسد. به عنوان مثال، نشریه «ال پائیس» چندی پیش خبر داد که: یک نوجوان توانسته است با استفاده از اطلاعات کسب شده از شبکه اینترنت، بمب ناپالم بسازد.^{۲۶}

همچنین بازار تولید نرم‌افزارهای تقلبی روبه‌افزایش نهاده است، به نحوی که در حال حاضر ۹۶ درصد نرم‌افزارهای خاورمیانه تقلبی و غیرمجاز است.^{۲۷} و این موضوع، ضرورت تصویب برخی میثاق‌ها و معاهدات را میان دولتها در آینده ایجاب می‌کند.

ضعف‌های موجود در سیستم جهانی بزرگراه‌های اطلاعاتی

پیچیدگی و ظرافت‌های غول شبکه جهانی اطلاع‌رسانی، مانع از آن نیست که از شکنندگی و آسیب‌پذیری بزرگراه‌های اطلاعاتی جلوگیری کند. به نظر می‌رسد این آسیب‌پذیری، راه را برای کشورهای در حال توسعه باز بگذارد تا در برابر هجوم گسترده تکنولوژی نوین ارتباطی به اقدامات تدافعی و یا حتی تهاجمی نیز دست زنند.

چندی پیش «آرتی. هون. تونی بن» نماینده پارلمان انگلیس طی یک سخنرانی در نمایشگاه بین‌المللی اطلاع‌رسانی لندن گفت: «در مورد عامل آسیب‌پذیری چه می‌توان گفت؟ اگر یک دایره‌المعارف بریتانیکا داشته باشید و یک صفحه از آن را پاره کنید، چندان مشکل پیش نمی‌آید ولی اگر یکی از سیم‌های کامپیوتر پاره شود با صفحه‌ای سفید مواجه خواهید شد. بنابراین، آسیب‌پذیری عامل مهمی است.»^{۲۸}

«دونالد چتفیلد» استدلال می‌کند که انقلاب اطلاعاتی، ملل در حال دموکراتیزه شدن را قادر می‌سازد که وسایل تبلیغاتی اقتدارگرایی را خنثی نموده و از سوی دیگر بر قالب فکری تحمیل شده از سوی تبلیغات سرمایه‌داری فائق آیند.

«چتفیلد» می‌گوید: «تأثیر الگوهای سنتی ارتباطات، اعم از روزنامه‌ها، امواج تلویزیونی یا کتاب مستلزم صرف زمان بود و امکان نوعی

کنترل را قبل از آگاهی عموم فراهم می‌آورد، در حالی که تکنولوژی اطلاعاتی امروز، انتشار بلافاصله اخبار و اطلاعات روز را ممکن ساخته و فرصت هرگونه دخالت و ارائه تفسیرهای خاص از اطلاعات را از حکومت‌ها سلب می‌نماید.^{۴۹}

امکان دسترسی به اسم رمز، به معنای دست یافتن به اطلاعات سری و غیرعمومی است که در شبکه‌های اطلاعاتی ارتباطی همچون اینترنت به عنوان یک آسیب‌پذیری جدی مطرح است.

از آنجا که از آغاز، اینترنت به صورتی طسراحی شد که به فرض انهدام یکی از بخش‌های شبکه، سایر بخش‌ها و اعضای شبکه قادر به ادامه فعالیت باشند، پیداست که تمرکززدایی از همان ابتدای شکل‌گیری شبکه در نظر گرفته شده است. بنابراین، شبکه فاقد یک قدرت فرماندهی و یک کنترل‌کننده مرکزی است، هیچکس صاحب یا مالک شبکه نیست، کسی به تنهایی آن را اداره نمی‌کند، کسی قدرت آن را ندارد که دیگری را برای همیشه از شبکه بیرون براند، حتی یک کلید اصلی وجود ندارد که بتوان در صورت بروز یک وضعیت اضطراری، شبکه را به وسیله آن از کار انداخت. به این ترتیب، فقدان مدیریت متمرکز می‌تواند زمینه‌ساز هرج‌ومرج بسا شد. بیشتر استفاده‌کنندگان کنجکاو می‌خواهند به جاهایی در شبکه که دارای اسم رمز است دست پیدا کنند و به اطلاعات سری و غیرعمومی برسند.^{۵۰}

«الوین تافلر» که خود یکی از نظریه‌پردازان معروف آمریکایی در زمینه عصر ارتباطات بوده و برای اولین بار، نظریه موج سوم را ارائه داده است به امکان دسترسی افراد به اطلاعات موجود در سیستم‌های کامپیوتری اشاره می‌کند و در این رابطه به نفی نقش رهبری آمریکا و یا کشورهای اروپایی در کنترل و سلطه همیشگی بر شبکه‌های اطلاعاتی می‌پردازد.

«الوین تافلر» در یک گفت‌وگوی مطبوعاتی می‌گوید: «در جنگ‌های آینده نه تنها سلاح‌های مادی، که تروریسم الکترونیک نیز به کار گرفته خواهد شد. ما، یکی از مأموران اطلاعات سابق آمریکا را می‌شناسیم که کاملاً مسلط به امور هوش مصنوعی و کامپیوتر است و می‌گوید اگر ۲۰ نفر و یک میلیون دلار در اختیارش قرار دهیم، می‌تواند آمریکا را تعطیل کند. مبلغ یادشده پول زیادی نیست. در شبکه این کشور،

نقاط تلاقی حساسی وجود دارد که بسیار مهم است. او می‌داند این محل‌های تلاقی، کجا قرار دارند.

آنها می‌توانند کار کامپیوترها را مختل کنند. آنان می‌توانند نظام بانکی، ماشین‌های «ای.بی.ام» بیمارستان‌ها و شبکه‌های حمل‌ونقل را به تعطیلی بکشانند. بنابراین، همیشه این‌گونه نبوده است که اروپا یا به خصوص آمریکا، نقش رهبری را برعهده داشته باشد. برعکس معتقدم که به‌طور روزافزونی آسیب‌پذیر شده‌ایم و ناآگاهی از مردم و اعتماد به نفس، این آسیب‌پذیری را بیشتر می‌کند. می‌دانید ما در جنگ خلیج‌فارس پیروز شدیم، نگاه کنید چه خوب عمل کردیم، می‌توانیم آن را در مورد هرکسی و در هر کجا اجرا کنیم.»^{۵۱} همچنین «رالف نگرین» در کتاب «بخش ماهواره‌ای بین‌المللی، ملاحظات و سیاست‌ها» در مورد ماهیت تغییرات تکنولوژی ماهواره‌ها می‌گوید:

«تغییرات مورد بحث، کلاً در یک حالت بی‌مهار قرار خواهند گرفت زیرا سرعت تحولات بسیار زیاد است و دولت‌ها توانایی سمت و سو دادن به این تحولات را ندارند. بنابراین، تغییر به یک نیروی غیرقابل توقف تبدیل شده است.»^{۵۲}

صرف نظر از شکنندگی و آسیب‌پذیری شبکه‌های ارتباطی جهانی در آینده، هم‌اکنون نیز مشکل بزرگ شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای و یا بزرگراه‌های اطلاعاتی، مسأله عدم وجود زبان مشترک میان انسان‌ها در سراسر جهان است.

حال اگر بر مشکل زبان به عنوان مؤثرترین وسیله ارتباطی، مشکل فرهنگی را نیز بیفزاییم خواهیم دید که چگونه باورهای سنتی، مانع از تمایل افراد جهت برقراری ارتباط با شبکه‌های ماهواره‌ای تلویزیونی و یا شبکه کامپیوتری اینترنت می‌شود.

مشکل آنجاست که جهت برقراری ارتباط میان مخاطبان و فرستندگان پیام‌ها، لزوم رسیدن به یک زبان واحد انکارناپذیر است و رسیدن به یک زبان واحد نیز بدون دسترسی به یک فرهنگ مشترک جهانی عملاً مقدور نیست.

می‌دانیم که ایجاد یک فرهنگ جهانی نیاز به همسان‌سازی خصلت‌های انسانی در جوامع دارد که با توجه به نیازهای درونی انسان‌ها و وجود اختلاف‌های فردی، این امر بسیار



نوس

■ عقب‌ماندگی‌های تکنولوژیکی جهان سوم و نداشتن تحلیل‌های علمی پیرامون چگونگی پیدایش سیاست‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی و پیشرفت‌های ناشی از آن، باعث شده است تا آنها نیز دنباله‌روی سیاست قدرت‌های پنهان در سلطه ارتباطی شوند.

دشوار- و یا حتی می‌توان گفت غیرممکن - است. با توجه به این ضعف‌ها، کشورهای در حال توسعه می‌توانند نسبت به آینده خود با امیدواری‌های بیشتر به مطالعه بررسی و برنامه‌ریزی بپردازند.

پایان سخن

در دهه پایانی قرن بیستم شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به گونه‌ای است که رشد و تکامل تکنولوژی ارتباطی زمینه‌ای مساعد برای ارتباطات گسترده انسانی در سراسر جهان به وجود آورده است. در چنین شرایطی، کشورهای پیشرفته با جایگزینی تجارت اطلاعات به جای تجارت کالا در صدد هستند تا با بهره‌برداری از امکانات پیشرفته‌ای چون بزرگراه‌های اطلاعاتی، همچنان به تحکیم سلطه و برتری خود در جهان آینده ادامه دهند. عقب‌ماندگی‌های تکنولوژیکی جهان سوم و نداشتن تحلیل‌های علمی پیرامون چگونگی پیدایش سیاست‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی و پیشرفت‌های ناشی از آن، باعث شده است تا آنها نیز دنباله‌روی سیاست قدرت‌های پنهان در سلطه ارتباطی شوند.

برخی از کشورهای در حال توسعه نیز با این تصور غلط که دستیابی به سخت‌افزارهای مدرن، آنها را قادر به رقابت با کشورهای سلطه‌گر می‌سازد، غافل از شرایط بومی خود، درگرداب ساختارهای سرمایه‌داری جهانی گرفتار می‌شوند و در راه توسعه و پیشرفت با موانع جدی روبرو می‌شوند.

از سوی دیگر، برخی از دولت‌های جهان سوم تصور می‌کنند با نفی شبکه‌های اطلاعاتی جهانی و یا منطقه‌ای و تکیه بر ابزارهای سنتی ارتباطی خود می‌توانند در عصر ارتباطات، شانه به شانه کشورهای پیشرفته بسایند و بدون دستیابی به آگاهی و دانش لازم، شاهد توسعه و پیشرفت کشورشان باشند.

کشورهای جهان سوم در راه پیشرفت و توسعه در عصر ارتباطات جهانی بدون شناخت و درک صحیح از چگونگی پیدایش تکنولوژی نوین ارتباطی، پیامدها و دستاوردهای آن حتی با دستیابی به سخت‌افزارهای مدرن توانایی بهره‌برداری از این سخت‌افزارها را نخواهند داشت.

شناخت نقاط ضعف و مثبت تکنولوژی نوین ارتباطی بدون مطالعه، بررسی و تحقیق

همه‌جانبه میسر نیست. کشورهای در حال پیشرفت پس از کسب این شناخت، می‌توانند با تطبیق تکنولوژی نوین ارتباطی با شرایط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه خود، در راه رشد اقتصادی و اجتماعی گام بردارند.

شبکه‌های اطلاعاتی برای توسعه جهان سوم بسیار حائز اهمیت هستند، اما استفاده از این شبکه‌ها بدون توجه به توانمندی‌های نیروهای بومی و تعارض‌های موجود، نه تنها مفید فایده نخواهند بود، بلکه ممکن است آسیب‌های جدی نیز به کشورهای تقلیدکننده وارد کند که جبران آن در آینده نزدیک بسیار مشکل خواهد بود.

در حال حاضر، کشورهای جهان سوم برای کسب آگاهی و دانش لازم در این زمینه، می‌بایست به نقش رسانه‌های گروهی و تحقیقات علمی در دانشگاه‌ها و مدارس خود بهای بیشتری دهند و به همکاری‌های ارتباطی منطقه‌ای رو آورند. زیرا مقابله با هجوم تکنولوژیکی کنونی، تنها با سلاح دانش و آگاهی و تکیه بر فرهنگ مشترک ملی و منطقه‌ای میسر است.

از سوی دیگر، کشورهای جهان سوم به دلیل واقع شدن در معرض آسیب‌های هجوم تکنولوژی نوین ارتباطی، نیاز به وحدت و همگرایی بیشتری دارند. این همگرایی می‌تواند به صورت منطقه‌ای و در قالب همکاری‌هایی چون پیمان «اگو» یا «آسه. آن» نمود بیشتری یابد؛ همچنانکه اتحادیه اروپا با چنین نگرشی تا حدودی به ایجاد محدودیت‌هایی در برابر سیاست‌های سلطه‌گرانه آمریکا پرداخته است.

در حال حاضر نیز فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی از یک‌سو، فرصت مناسبی برای آمریکا در جهت اجرای سیاست جریان آزاد اخبار به وسیله تکنولوژی نوین ارتباطی فراهم کرده است، و از سوی دیگر با شکل‌گیری کشورهای تازه استقلال یافته در آسیای میانه، این امکان را برای کشورهای انقلابی همچون ایران به وجود آورده است تا با تکیه بر اشتراکات فرهنگی خود و بسط همکاری‌های نزدیک، در راه استقرار یک «نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات» (N.W.I.C.O) و مقابله با سلطه فرهنگی و ارتباطی قدرت‌های بزرگ سرمایه‌ای، در جهت پیشرفت و توسعه گام بردارند.

■ شبکه‌های اطلاعاتی برای توسعه جهان سوم بسیار حائز اهمیت هستند، اما استفاده از این شبکه‌ها بدون توجه به توانمندی‌های نیروهای بومی و تعارض‌های موجود، نه تنها مفید فایده نخواهند بود، بلکه ممکن است آسیب‌های جدی نیز به کشورهای تقلیدکننده وارد کنند.

به عنوان مثال ارائه طرح تأسیس «مرکز مطالعات و تحقیقات ارتباطات در آسیای میانه» به بیست و هفتمین اجلاس عمومی «یونسکو» در پاییز ۱۹۹۳ را می‌توان نام برد که از سوی نخستین کنگره بین‌المللی همکاری فرهنگی و علمی آسیای میانه که در نوامبر ۱۹۹۲ در تهران تهیه شد ارائه گردید، ولی متأسفانه با گزارش منفی آقای «جرج دل» رییس هیأت اعزامی دبیرخانه یونسکو، تاکنون مسکوت مانده است. اجرای این طرح، امکان ایجاد زمینه بیشتر همکاری‌های ارتباطی را در منطقه آسیای میانه فراهم خواهد کرد. □

پی‌نوینها

۱. امیرالیسم - تئوری - تاریخ - جهان سوم، نویسنده هری مگداف، ترجمه و اقتباس هوشنگ مقدر، صص ۷۸ و ۷۹.
۲. همان، ص ۶۰.
3. Department of state Bulletin, May 1965. P. 100.
۴. همان، ص ۶۵.
۵. امیرالیسم - تئوری - تاریخ - جهان سوم، ص ۲۷.
۶. همان، ص ۳۷.
۷. ارتباط با دانش جهانی، فاینشال نایمز، مترجم کلانتری، لندن، ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۴ به نقل از بولتن بررسی مطبوعات جهان ویژه ارتباطات، شماره ۱۷۴ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی، ص ۱۵.
۸. انحصار اطلاعاتی در آمریکا گسترش می‌یابد. روزنامه کیهان، ۱۲ مرداد ۱۳۷۴، ص آخر.
۹. همان، ص آخر.
۱۰. همان، ص آخر.
۱۱. نول‌اسرواتور، ۵ ژانویه ۱۹۹۵.

۱۲. مجله پیام پست و مخابرات، سال هشتم، شماره ۷۲، تیرماه ۱۳۷۴، ص ۴.
 ۱۳. «زیرساخت اطلاعاتی برای کیست»، پروفیسور حمید مولانا، روزنامه کیهان ۱۳۷۳/۱۲/۴.
 ۱۴. همان.
 ۱۵. «بزرگراه‌های اطلاعاتی: آیا روی خط هستید؟» پروفیسور حمید مولانا، نشریه کاغذ اخبار، ویژه دومین جشنواره مطبوعات، شماره اول، ۲۱ اسفند ۱۳۷۳، ص ۶.
 ۱۶. روزنامه کیهان. ۱۳۷۳/۱۲/۹.
 ۱۷. روزنامه جمهوری اسلامی. ۷۳/۱۲/۱۰.
 ۱۸. همان.
 ۱۹. ضمیمه روزنامه اطلاعات، دوشنبه هشتم اسفند ۱۳۷۳.
 ۲۰. همان.
 ۲۱. «قدرت‌های پنهان در سیاست خارجی آمریکا»، سعید داوری، روزنامه کیهان، شماره ۱۵۵۷۲، چهارشنبه ۲۵ بهمن ۱۳۷۴، ص ۱۲.
 ۲۲. «روبارویی تمدن‌ها»، ساموئل هانتینگتون، ترجمه مجتبی امیری، مجله اطلاعات اقتصادی سیاسی، شماره‌های ۶۹-۷۰ خرداد و تیر ۱۳۷۲ ص ۴.
 ۲۳. همان، صص ۶ و ۷.
 ۲۴. همان، ص ۱۱۲.
- برای مطالعه بیشتر به منابع زیر رجوع شود:
«کدام روبارویی؟» محمدعلی اسلامی ندوشن، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۷۶-۷۵
- «چندگانگی فرهنگی»، دکتر داریوش شایگان، فصلنامه گفت‌وگو، دی ۱۳۷۲.
- «ما چگونه بر غرب تأثیر می‌گذاریم»، امید فرهنگ، فصلنامه گفت‌وگو، دی ۱۳۷۲.
25. Jams Karth, The Real Clash, The National Interest No. 37 (Fall 1994).
۲۶. «نظریه روبارویی تمدن‌ها هانتینگتون و منتقدانش»، ترجمه و ویرایش مجتبی امیری، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۷۴-۷۳، صص ۲۴ و ۲۴.
 ۲۷. ر.ک. کنترل فرهنگ، ادوارد برمن، ترجمه دکتر حمید الیاسی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۳، ص ۳۱۴.
 ۲۸. قدرت‌های پنهان در سیاست خارجی آمریکا، سعید داوری، تهران روزنامه کیهان، شماره ۱۵۵۷۲، چهارشنبه ۲۵ بهمن ۱۳۷۴، ص ۱۲.
 ۲۹. تراست مغزهای امپراطوری، شورای روابط خارجی و سیاست خارجی آمریکا، لورنس، ج. شوب / ویلیام مینتز ترجمه منصور آسیم و علی رضایی، تهران ۱۳۷۰، انتشارات مؤسسه اطلاعات، ص ۱۵ مقدمه و ص ۱۹۲.
 ۲۹. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، مرداد و شهریور ۱۳۷۴، شماره‌های ۹۵-۹۶، ص ۴۵.
 ۳۰. لوموند دیپلماتیک، سپتامبر ۱۹۹۴، ص ۹.
 ۳۱. نقد کتاب، مجتبی امیری، فصلنامه فرهنگ. تهران تابستان ۱۳۷۴، شماره دوم، ص ۱۷۷.
 ۳۲. همان، ص ۱۷۹.
 ۳۳. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، آذر و دی ۱۳۷۲، شماره‌های ۷۵-۷۶، صص ۶ و ۷.
 ۳۴. ر.ک. «کسب اطلاعات تا حد مرگ»، مصاحبه با نیل پستمن، ترجمه آرش برومند، تهران، تابستان ۱۳۷۳، کتاب توسعه، شماره ۷، صص ۱۲۶ تا ۱۲۸.
 ۳۵. زندگی در عیش، مردن در خوشی، نیل پستمن، ترجمه دکتر رضا صادق طباطبائی، تهران ۱۳۷۳، انتشارات سروش، ص ۹.
 ۳۶. «پایان تاریخ» فرانسیس فوکویاما، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، مهر و آبان ۱۳۷۰، شماره ۴۹-۵۰، ص ۱۴.

37. Liberation, 19 October 1989.

۳۸. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، مهر و آبان ۱۳۷۰، شماره ۴۹-۵۰، ص ۱۵.
 ۳۹. نظریه روبارویی تمدن‌ها از دیدگاه منتقدان، مجتبی امیری، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، مهر و آبان ۱۳۷۲، شماره‌های ۷۳ و ۷۴، ص ۳۶.
 ۴۰. ر.ک. روزنامه همشهری اسفندماه ۱۳۷۳ - سال سوم شماره ۶۳۶ ص ۸.
 ۴۱. «تکنولوژی ارتباطی و رسانه‌های نوین در جامعه»، ایپورت. ام. راجرز، ترجمه سیما (و) احمد جعفری چمازکی، روزنامه قدس، مشهد، ۲۵ آذر ۱۳۷۲، شماره ۱۷۳۱، صفحه ۵ و روزنامه اطلاعات ۳۰ اردیبهشت ۱۳۷۴.
 ۴۲. ر.ک. «تکنولوژی‌های ارتباطی و نظام‌های اجتماعی»، علیرضا حسینی پاکدهی، فصلنامه رسانه، سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۳، صص ۴۱ و ۴۲.
 ۴۳. «یک صد، چندین جهان یا یک جهان، چندین صد»، شهیندخت خوارزمی، روزنامه همشهری، دوشنبه ۲۹ خرداد، ۱۳۷۴، ص ۱۲.
 ۴۴. «تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و انسان معاصر»، مجله سنجش، شماره ۶، سال دوم، ۱۳۷۴، صص ۳۳ و ۳۴.
 ۴۵. هنر رمان، میلان کوندرا، ترجمه پرویز همایون‌پور، تهران، نشر گفتار، ۱۳۶۸.
 ۴۶. هفته‌نامه صبح، شماره ۱۹، سه‌شنبه ۳۱ مرداد ۱۳۷۴، ویژه اینترنت.
 ۴۷. این مطلب را «رونالد گریس» رییس دفتر شرکت نول در خاورمیانه در یک کنفرانس بین‌المللی به تاریخ ۹۵/۱۱/۴ در دبی اعلام کرد. که در همین تاریخ بروی تلکس خبرگزاری جمهوری اسلامی ثبت شد.
 ۴۸. «اطلاعات و دموکراسی» آرتی. هون. تون بی، روزنامه همشهری، سه‌شنبه ۱۰ بهمن ۱۳۷۴، ص ۱۲.
 ۴۹. «انقلاب اطلاعاتی» پیامدهای پیدا و پنهان دونالد چنفلد، ترجمه فرزین قریشی، روزنامه همشهری، ۱۰ تیرماه ۱۳۷۴.
 ۵۰. «خانواده ۲۵ میلیون نفری اینترنت»، مرتضی ادیب، روزنامه همشهری، سه‌شنبه ۱۶ آبان ۱۳۷۴، ص ۱۲.
 ۵۱. «آینده قابل پیش‌بینی نیست»، بخش پایانی گفت‌وگو با اولین ناظر، روزنامه همشهری، پنجشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۷۳، ص ۹.
 ۵۲. جزوه درسی ارتباطات بین‌المللی، یونس شکرخواه، مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها، ۱۳۷۴، ص ۲۸ و همچنین ر.ک:
- RALPH Negrine, Satellite Broadcasting the Politicians and Implications of the New Media, Rou Tledg, London and new York, 1988.